



اعلام زمان مراسم تشییع و وداع
اطلاعیه ستاد بزرگداشت رهبر شهید



پاشینیان ماند
ناکامی متحدان مسکو در ارمنستان



حیات خلوت ازدها
سفر رئیس جمهور چین به کره شمالی



عکاس تمبرشناس
ویلیام هارتونیان درگذشت

مدافع اینترنت آزاد

نشست خبری **سیدستار هاشمی**، وزیر ارتباطات با تأکید بر دگرذیسی در حکمرانی فضای مجازی و حق دسترسی آزاد به اینترنت بین الملل برگزار شد

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



نخستین نشست خبری سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، با پرسشی آغاز شد که طی ماه‌های اخیر به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات حوزه ارتباطات کشور تبدیل شده است: «اینترنت پرو». خبرنگار روزنامه ساندگی

از وزیر پرسید؛ چرا طرحی که قرار بود در شرایط بحرانی به حفظ ارتباط کسب و کارها با اینترنت جهانی کمک کند، در عمل به بستری برای فروش دسترسی ویژه، ایجاد بازار سیاه و شکل‌گیری احساس تبعیض میان کاربران تبدیل شد؟ هاشمی در پاسخ تأکید کرد: وزارت ارتباطات پیشنهاددهنده این طرح نبوده و فلسفه اولیه آن کاملاً متفاوت از آن چیزی بوده که در ادامه رخ

داد. به گفته او، در شرایط اضطراری و احتمال محدود شدن اینترنت بین‌الملل قرار بود، راهکاری برای تداوم فعالیت کسب و کارها و جلوگیری از خسارت اقتصادی پیش‌بینی شود. اما به مرور این طرح از هدف اصلی خود فاصله گرفت و به جای آنکه ابزاری برای حفظ فعالیت شرکت‌ها باشد به سمت ارائه دسترسی ویژه برای گروه‌های گسترده‌تری از کاربران حرکت کرد. وزیر

ارتباطات گفت: آنچه رخ داد، نوعی خلط میان خدمات B2C و B2B بود؛ درحالی که خدمات ویژه کسب و کارها نمی‌تواند جایگزین دسترسی عمومی شهروندان شود. او همچنین از ورود قوه قضائیه به پرونده اینترنت پرو خبر داد و اعلام کرد که جلساتی برای تشریح فلسفه اولیه طرح و بررسی انحرافات آن برگزار شده است.

ادامه در صفحه ۷



عکس: امیر جدیدی

به وقت خود، جنگ و به وقت خود، مذاکره

محمدباقر قالیباف در پیامی مطرح کرد: کسانی که به نام تبعیت از رهبری، خلاف مشی ایشان عمل می‌کنند، با پاسخ سخت امت حزب‌الله روبه‌رو خواهند شد



یادداشت روز

تهدید سلامت!

درباره بحران کمبود دارو
با مردم صادقانه سخن بگوئیم

فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل حزب کارگزاران ساندگی ایران



بحران دارو و کمبود بسیاری از اقلام درمانی در کشور، موضوعی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت یا با توضیحات غیرواقع‌بینانه از کنار آن گذشت. در شرایطی که مسئولان حوزه سلامت از یک سو بر مدیریت بازار دارو تأکید می‌کنند و از سوی دیگر گزارش‌های میدانی از کمبود برخی داروهای حیاتی حکایت دارد پیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد که واقعیت‌ها با مردم در میان گذاشته شود. در درجه نخست باید از این رویکرد استقبال کرد که مسئولان وزارتخانه‌های مختلف و مدیران دولتی درباره مسائل و مشکلات کشور با افکار عمومی گفت‌وگو کنند. جامعه حق دارد از شرایط موجود، محدودیت‌ها و چالش‌های پیش رو آگاه باشد. مسئله کمبود دارو، نبود برخی اقلام ضروری در بازار و نگرانی بیماران، واقعیتی است که امروز بسیاری از خانواده‌ها آن را لمس می‌کنند و نمی‌توان آن را صرفاً به شایعات یا برداشت‌های نادرست نسبت داد. این وضعیت ناشی از عوامل متعددی است اما بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل آن جنگ اخیر و اختلال در روند ورود مواد اولیه دارویی از کشورهای همسایه، به‌ویژه امارات متحده عربی، بوده است. بخش مهمی از مواد اولیه مورد نیاز صنعت داروسازی کشور از مسیرهای تجاری منطقه تأمین می‌شود و محدودیت‌های ایجاد شده در مبادلات کالا و ارتباطات تجاری، زنجیره تأمین دارو را با مشکلات جدی مواجه کرده است. در حال حاضر نیز بازار دارویی کشور تا حد زیادی با اتکا به ذخایر و اندوخته‌هایی اداره می‌شود که از سال گذشته و با پیش‌بینی شرایط بحرانی برای آن برنامه‌ریزی شده بود. اما واقعیت این است که هر چه زمان بگذرد و امکان جایگزینی این ذخایر دشوارتر شود، کشور با مشکلات پیچیده‌تری روبه‌رو خواهد شد. اگر امروز شرایط قابل مدیریت به نظر می‌رسد لزوماً به معنای نبود خطر در ماه‌های آینده نیست. البته باید توجه داشت که مسئله کمبود دارو موضوع تازه‌ای نیست و پیش از این نیز تحت تأثیر تحریم‌ها وجود داشت. با این حال مسئولان سازمان غذا و دارو و مجموعه وزارت بهداشت همواره تلاش کرده‌اند از مسیرهای مختلف و راهکارهای جایگزین، مواد اولیه مورد نیاز را وارد کشور کنند تا بیماران با کمبود جدی مواجه نشوند. اما شرایط ناشی از جنگ اخیر و محدودیت‌های جدید در مبادلات تجاری با کشورهای منطقه، به‌ویژه امارات، ابعاد تازه‌ای به این بحران داده است. امروز تنها مسئله کمبود دارو مطرح نیست. در کنار آن، شکل‌گیری بازار سیاه برای برخی داروها و افزایش هزینه‌های درمان نیز به دغدغه‌ای جدی تبدیل شده است. از سوی دیگر، حذف یا کاهش پوشش بیمه‌ای برخی داروهای حیاتی موجب شده بسیاری از بیماران ناچار شوند داروهای مورد نیاز خود را با قیمت آزاد تهیه کنند؛ موضوعی که فشار اقتصادی مضاعفی را بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی، کنترل بازار، جلوگیری از شکل‌گیری شبکه‌های غیررسمی توزیع دارو و افزایش ذخایر مواد اولیه باید در اولویت سیاست‌گذاران حوزه سلامت قرار گیرد. حداقل انتظار این است که کشور بتواند نیاز بیماران خاص، بیماران مزمن و افراد بدحال را بدون وقفه تأمین کند. در عین حال باید تأکید کرد که وزارت بهداشت در ماه‌های اخیر تلاش‌های قابل توجهی برای مدیریت بحران انجام داده و کارنامه این وزارتخانه در مواجهه با شرایط دشوار قابل دفاع است. اما موفقیت در مدیریت بحران تنها به اقدامات اجرایی محدود نمی‌شود؛ شیوه اطلاع‌رسانی نیز اهمیت فراوانی دارد. پاسخ‌هایی که از سوی مسئولان ارائه می‌شود باید واقع‌بینانه، شفاف و مبتنی بر شرایط موجود باشد. در همین چارچوب، اظهاراتی مبنی بر انباشت گسترده دارو در منازل مردم، اگرچه سال‌هاست در ادبیات مدیریتی حوزه سلامت مطرح می‌شود اما به نظر می‌رسد با واقعیت‌های امروز فاصله داشته باشد. این موضوع بیشتر به سال‌هایی مربوط می‌شد که قیمت دارو پایین‌تر بود و امکان تهیه و نگهداری مقادیر بیشتری از دارو وجود داشت. در شرایط فعلی، با توجه به افزایش قیمت دارو، اجرای نسخه‌نویسی الکترونیک و محدودیت‌های موجود در تجویز دارو حتی پزشکان نیز در نسخه‌نویسی با چارچوب‌های مشخصی مواجه هستند. بنابراین دشوار است که بتوان کمبودهای فعلی را به ذخیره‌سازی دارو در منازل نسبت داد.

دیدگاه: یادداشت سیاسی

دولت و مسئله کارآمدی

چرا تصمیم‌ها در اجرا گره می‌خورند؟

عاطفه شمس

گروه سیاسی



در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، دولت‌ها معمولاً با کیفیت اجرای تصمیم‌ها، سنجیده می‌شوند نه با تعداد تصمیم‌هایی که می‌گیرند. اما در ایران، بحث کارآمدی بیشتر در سطح حرف‌های سیاسی و طراحی برنامه‌ها باقی می‌ماند و کمتر به نقطه اصلی ماجرا توجه می‌شود؛ یعنی همان جایی که تصمیم‌ها باید وارد زندگی واقعی مردم شوند. در سال‌های گذشته و حتی در دولت مسعود پزشکیان، حجم تصمیم‌گیری‌ها در حوزه اقتصاد و اجتماع کم نبوده است. از وعده کنترل تورم و سامان دادن بازار گرفته تا اصلاح پارانه‌ها، سیاست‌های ارزی و بسته‌های حمایتی. حتی در ماه‌های اول دولت چهاردهم هم شاهد طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی برای بهبود شرایط اقتصادی بوده‌ایم. همه اینها نشان می‌دهد که دولت‌ها در تصمیم‌گیری دچار بن‌بست مطلق نیستند اما چیزی که مردم در عمل تجربه می‌کنند، متفاوت است و حس می‌کنند که فاصله بین تصمیمی که اعلام می‌شود و تأثیری که در زندگی‌شان می‌گذارد، زیاد است و گاهی اصلاً به موقع اتفاق نمی‌افتد.

در مسیر اجرا هم چند مشکل همزمان وجود دارد؛ اول اینکه مراکز تصمیم‌گیری زیادند و همین باعث می‌شود یک سیاست واحد، در اجرا چند جور فهمیده و اجرا شود. دوم دستگاه‌ها با هم هماهنگ نیستند و گاهی یک تصمیم در یک بخش جلو می‌رود اما در بخش دیگر عملاً خنثی می‌شود. سوم هم محدودیت‌های مالی و اداری است که سرعت کار را پایین می‌آورد. نتیجه این مجموعه، این می‌شود که تصمیم‌هایی که روی کاغذ منطقی به نظر می‌رسند، در عمل یا کامل اجرا نمی‌شوند یا در نتیجه می‌رسند. اما مشکل فقط اداری و فنی نیست. در سال‌های اخیر، اختلاف‌ها و اصطکاک‌های سیاسی هم پررنگ‌تر شده است. دولت‌ها، از جمله دولت فعلی، در اجرای بعضی تصمیم‌ها با کندی یا مقاومت از سوی بخش‌هایی از ساختار قدرت یا جریان‌های سیاسی رویبرو می‌شوند؛ بخش‌هایی که با آن سیاست‌ها موافق نیستند یا نسبت به تغییرات اقتصادی و اجتماعی حساسیت دارند. همین موضوع باعث می‌شود، بعضی تصمیم‌ها حتی قبل از اجرا درگیر اختلاف‌نظر، مسیریابی موازی یا حتی توقف‌های غیررسمی شوند. این تجربه در دولت‌های قبل هم وجود داشته؛ چه در دوره‌هایی که سیاست‌های اصلاح اقتصادی یا مقاومت‌های جدی رویبرو شد و چه در زمان‌هایی که تغییرات ارزی یا پارانه‌ای در میانه راه با مشکل اجرا رویبرو شدند. اما به هر حال برای مردم، این جزئیات و پیچیدگی‌های نهادی اهمیت ندارد. شهروند نتیجه نهایی را می‌بیند، نه اختلاف‌نظرها یا فرآیند تصمیم‌گیری را. اگر قیمت‌ها ناگهانی تغییر کند، اگر خدمات عمومی با تأخیر یا افت کیفیت همراه باشد، یا اگر سیاستی با هدف مشخص اعلام شود اما اثر آن در زندگی روزمره دیده نشود، برداشت عمومی به‌تدریج این‌گونه شکل می‌گیرد که مشکل دولت فقط در تصمیم‌گیری نیست بلکه در مدیریت و اجرا هم ناتوان است. کارآمدی در تجربه جامعه یعنی قایل پیش‌بینی بودن زندگی، یعنی مردم بتوانند بپهنند اگر تصمیمی امروز گرفته شد، فردا یا بعد چه اثری در زندگی‌شان خواهد داشت. وقتی این رابطه مبهم شود حتی تصمیم‌های درست هم اثر روانی و اجتماعی خود را از دست می‌دهند. به همین دلیل اعتماد مردم بیشتر از خود تصمیم‌ها به ثبات و نظم در اجرای آنها بستگی دارد. البته باید این را هم در نظر گرفت که مشکل اجرا لزوماً به معنای نبود تصمیم درست یا نداشتن اراده نیست. خیلی وقت‌ها مشکل در بخش‌های میانی سیستم شکل می‌گیرد؛ جایی که تصمیم باید تبدیل به دستورالعمل و کار اجرایی شود. این بخش در فشار اقتصادی، حجم بالای کار و بعضی فشارهای بیرونی، کند و سست می‌شود؛ چیزی که شاید در سطح بالا دیده نشود اما مردم اثرش را در زندگی روزمره‌شان حس می‌کنند. بنابراین مشکل کارآمدی را نمی‌شود فقط با تغییر سیاست‌ها حل کرد. مسئله بیشتر به این برمی‌گردد که دستگاه‌ها چقدر با هم هماهنگ هستند، چقدر توان اجرای واقعی دارند و مسیر تصمیم تا اجرا چقدر یکدست و منسجم است. هر سیاستی هر قدر هم درست طراحی شده باشد به اندازه توان اجرای آن نتیجه می‌دهد. به بیان ساده‌تر، مشکل اصلی سیاست‌گذاری در ایران این است که تصمیم‌ها گرفته می‌شوند اما در مسیر اجرا کند می‌شوند و بخشی از اثر خود را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی نیز بهبود کارآمدی فقط با نوشتن برنامه‌ها و سیاست‌های جدید به‌دست نمی‌آید؛ بلکه بیشتر به این بستگی دارد که گره‌های اجرایی باز شود، هماهنگی‌ها بیشتر شود و تصمیم‌ها واقعاً به مرحله عمل برسند.

اطلاعیه شماره ۲ ستاد بزرگداشت رهبر شهید:

زمان برگزاری مراسم تشییع و وداع اعلام شد

تکریم و اقامه عزای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) صورت گرفته است. در متن اطلاعیه آمده است که ایشان همواره بر اهمیت برگزاری مراسم عزاداری سید و سالار شهیدان در ایام محرم، تأکید داشتند و از این رو به منظور حفظ حرمت و جایگاه این مناسبت بزرگ مذهبی و فراهم شدن امکان برگزاری شایسته مراسم عزاداری در سراسر کشور و جهان اسلام، مراسم وداع، تشییع و تدفین پس از پایان دهه اول محرم برگزار خواهد شد.

همچنین ستاد بزرگداشت اعلام کرده که در این فاصله زمانی، هماهنگی‌های نهایی میان نهادهای مسئول، دستگاه‌های اجرایی، نیروهای خدماتی و گروه‌های مردمی انجام خواهد شد تا شرایط لازم برای حضور گسترده مردم و ارائه خدمات مناسب به عزاداران فراهم شود. هدف از این برنامه‌ریزی‌ها، برگزاری مراسمی در شأن رهبر شهید انقلاب اسلامی و پاسخگویی مناسب به حضور گسترده و میلیونی مردم عنوان شده است. در پایان این اطلاعیه تأکید شده که جزئیات کامل زمان، مکان و نحوه برگزاری مراسم وداع، تشییع و تدفین متعاقباً و در زمان مناسب از سوی ستاد بزرگداشت اعلام خواهد شد.



است. از این رو، از عموم مردم درخواست شده، اخبار مرتبط با برنامه‌های بزرگداشت، وداع، تشییع و تدفین را صرفاً از طریق اطلاعیه‌های رسمی این ستاد و مراجع معتبر دنبال کنند. براساس این اطلاعیه، تصمیم‌گیری درباره زمان برگزاری مراسم با توجه به سیره و منش رهبر شهید انقلاب اسلامی در

ستاد بزرگداشت رهبر شهید در دومین اطلاعیه خود، ضمن رد شایعات و گمانه‌زنی‌های منتشرشده درباره زمان و جزئیات مراسم تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی اعلام کرد که مراسم وداع، تشییع و خاک‌سپاری ایشان پس از پایان دهه نخست ماه محرم و با تکمیل هماهنگی‌های لازم میان دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برگزار خواهد شد. در اطلاعیه ستاد بزرگداشت شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آمده است: با توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده انجام شده برای برگزاری باشکوه مراسم وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد، شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه و شهدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی، به اطلاع می‌رساند گمانه‌زنی‌ها و شایعات منتشرشده در فضای رسانه‌ای داخل و خارج کشور درخصوص زمان و جزئیات مراسم مذکور که موجب ابهام بسیاری از علاقه‌مندان به حضور در این رویداد عظیم شده، فاقد اعتبار است.

ستاد بزرگداشت رهبر شهید تأکید کرده است که انتشار اخبار غیررسمی در روزهای گذشته، موجب ایجاد ابهام و سردرگمی در میان علاقه‌مندان و مشتاقان حضور در این مراسم عظیم شده

به وقت خود، جنگ و به وقت خود، مذاکره

محمدباقر قالیباف در پیامی مطرح کرد:

کسانی که به نام تبعیت از رهبری، خلاف مشی ایشان عمل می‌کنند، با پاسخ سخت امت حزب‌الله روبه‌رو خواهند شد

باثبات برای کشور است و باید هر چهار میدان در کنار هم و هماهنگ با یکدیگر این اهداف را تأمین کنند.

هماهنگی کامل مسئولان برای تحقق اهداف کشور

رئیس تیم مذاکره‌کننده کشورمان در ادامه گفت: پس قرار نیست یا جنگ کنیم و یا مذاکره بلکه قرار است به‌وقت خود جنگ کنیم و به‌وقت خود مذاکره کنیم؛ اینگونه است که می‌توانیم دشمن را شکست دهیم و این همان چیزی است که می‌گوییم مذاکره ادامه مبارزه است و عینیت پیدا کند. وی خاطرنشان کرد: همین جا لازم است روی یک برداشت غلط، خط بطلان بکشیم. برخلاف تصور برخی که فکر می‌کنند بین مسئولان هماهنگی نیست، هماهنگی کامل برای رسیدن به اهداف میان مسئولان وجود دارد. دست نیروهای مسلح برای اقدام همواره باز بوده و براساس تدبیر و برنامه‌ریزی درست و تصمیم تصویب شده، عمل می‌کنند. رئیس هیأت مذاکره‌کننده کشورمان گفت: هدف ما پایان جنگ و ایجاد امنیت پایدار است و نه عادی‌سازی روابط با آمریکا؛ اعتمادی هم به طرف مقابل نداریم. البته روش ما احساسی عمل کردن یا صرفاً اعلام حقوق ملت ایران یا محکوم کردن جنایات دشمن نیست. وی ادامه داد: راه روشن و میدان مشخص است و فقط اراده‌ای می‌خواهد که میان انقلابی‌گری و کنش دیپلماتیک بر بستر اقتدار عقلانی، حرکت کنیم.

پاسخ سخت به هر اقدام خارج از چارچوب رهبری

قالیباف تأکید کرد: در مورد محاصره دریایی که یک جنایت جنگی است حتماً توطئه دشمن را با یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه به یک شکست دیگر برای آنها تبدیل خواهیم کرد. رئیس مجلس اضافه کرد: با انسجام ملی و دیپلماسی اقتدار و قدرت نظامی تحت فرمان رهبری معظم و نایب‌امام‌عصر (عج) دشمن را از تسلیم شدن مردم ایران ناامید خواهیم کرد. وی افزود: به برکت خون پاک شهدا و با بصیرت ملی و درایت رهبری و مجاهدت مسئولین، به سمت ایرانی مستقل، پیشرفته و قوی، ان‌شاء‌الله حرکت خواهیم کرد. قالیباف خاطرنشان کرد: رهبر معظم انقلاب، نقشه دشمن را افشا کردند که بر تاب‌آوری مردم و ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور متمرکز شده است. ایشان راه مقابله با نقشه دشمن را نیز در رعایت این موارد تعیین کردند: ایستادگی، روشن‌بینی، حفظ وحدت و انسجام، اعتماد متقابل و هم‌صدایی نکردن با دشمن. وی ادامه داد: برخی، این روزها با اسم تبعیت از رهبری خلاف خط‌مشی عمل می‌کنند؛ یک‌بار دیگر بدون هیچ شرح و بسطی، محورهای مورد تأکید رهبری را تکرار می‌کنم تا هر کسی چه مسئول، چه نخبه سیاسی و چه فعال رسانه‌ای خواست خارج از این چارچوب عمل کند با پاسخ سخت امت حزب‌الله روبه‌رو شود. رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایرانی افزود: «ایستادگی، روشن‌بینی، حفظ وحدت و انسجام، اعتماد متقابل و هم‌صدایی نکردن با دشمن» وظیفه‌ای است که رهبر انقلاب برای همه ما تعیین کرده‌اند تا بتوانیم از برنامه دشمن جلوگیری کرده و چشم‌انداز روشنی برای ایران آینده و سربلند رقم بزنیم.

پیروزی ملت ایران را بیاوند. وی ادامه داد: میدان مبارزه نظامی، موتور پیشران قدرت‌ساز است؛ یعنی دشمن را از رویاپردازی برای حمله دور می‌کند و به همان میزان، میدان مبارزه دیپلماسی باید بتواند در زمان مقتضی این اقتدار عینی را به دستاوردهای ملموس و تثبیت‌شده حقوقی، سیاسی و اقتصادی تبدیل کند، نه اینکه با حرف‌های کلی، مسائل حل‌نشده باقی بماند.

تکیه بر اقتدار و عقلانیت ایران برای دستیابی به پیروزی

قالیباف بیان کرد: نکته کلیدی در این الگوی مبارزه مهم و اساسی، اقتدار و عقلانیت است. ما نه می‌خواهیم با اوادگی پیش برویم و نه با شعارزدگی. ما با تکیه بر اقتدار ایران و عقلانیت



ایرانی به‌دنبال یک پیروزی مهندسی شده و کامل هستیم. رئیس مجلس در ادامه توضیح داد: ماجرای لبنان مثال خوبی است که نشان می‌دهد، میدان دیپلماسی کنار میدان نظامی می‌تواند اسرائیل و دشمنان را عقب بزند؛ نه دیپلماسی مانع عملیات نظامی و نه عملیات نظامی مانع دیپلماسی است. وی ادامه داد: یک بار با تهدید به حمله و قطع مذاکره جلوی حمله اسرائیل به بیروت را می‌گیریم و بار دیگر با حمله نشان می‌دهیم، ترسی از قطع مذاکرات نداریم و آمادگی کامل داریم؛ به لطف خدا نتیجه این می‌شود که آنها مجبور می‌شوند درباره حق ما عقب‌نشینی کنند و ما حق خودمان را تثبیت کنیم.

هدف، حقوق مردم و امنیت پایدار کشور است، نه صرفاً لبنان

قالیباف اضافه کرد: حالا تصور کنید اگر ما در میدان نظامی پیروز نشده بودیم یا در میدان دیپلماسی جلو نرفته بودیم و یا میدان‌های نظامی و دیپلماسی با یکدیگر به درستی پاسکاری نکرده و پشتیبان هم نبودند و با هم هماهنگی نداشتند، آن وقت دست ما برای حمایت از لبنان و مقابله با محاصره دریایی بسته بود. وی خطاب به مردم گفت: در ماجرای درگیری‌های خلیج فارس نیز دیدید که با استفاده از همین الگو، ترتیبات ایران برای بازگشایی تنگه را تا اینجا تثبیت کردیم. موضوع فقط درباره لبنان نیست بلکه موضوع رسیدن به حق مردم و ایجاد امنیت

گروه سیاسی: محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و رئیس تیم مذاکره‌کننده کشور، شامگاه دوشنبه در چهارمین پیام صوتی خود، خطاب به مردم ایران، با اشاره به وجود هماهنگی کامل میان مسئولان برای تحقق اهداف کشور، گفت که برخی افراد این روزها به نام تبعیت از رهبری، برخلاف خط‌مشی ایشان عمل می‌کنند. او تأکید کرد هر فردی که خارج از چارچوب «ایستادگی، روشن‌بینی، حفظ وحدت و انسجام، اعتماد متقابل و هم‌صدایی نکردن با دشمن» حرکت کند، خواه مسئول باشد، خواه نخبه سیاسی یا فعال رسانه‌ای، با پاسخ سخت امت حزب‌الله مواجه خواهد شد. قالیباف با اشاره به اینکه هدف مذاکرات، پایان دادن به جنگ و دستیابی به امنیت پایدار است، نه عادی‌سازی روابط با آمریکا، تصریح کرد که کشور در برابر دوگانه‌سازی‌های کاذب قرار ندارد و همان‌گونه که در زمان مقتضی مذاکره می‌کند، در زمان لازم نیز از گزینه‌های دیگر بهره خواهد گرفت.

نقض آتش‌بس و محاصره دریایی، عامل تنش‌های اخیر

رئیس تیم مذاکره‌کننده کشورمان در این پیام تصریح کرد: در مورد تحولات چند روز گذشته باید نکاتی را خدمت مردم بگویم؛ اولین نکته این است که آنچه باعث تنش‌های اخیر شد، این بود که آمریکایی‌ها هم با محاصره دریایی علیه ملت ایران و هم با نقض توافقی که درباره آتش‌بس لبنان شده بود، آتش‌بس را نقض فاحش کردند. او ادامه داد: صحبت‌های رئیس‌جمهور آمریکا درباره یادداشت تفاهم، مخالف بخش‌هایی بود که توافق شده بود. این نشان داد آنها نه دنبال آتش‌بس هستند و نه دنبال گفت‌وگو؛ طبیعی است که باید برای دفاع از حقوق ملت ایران، پاسخ قاطع می‌دادیم، که به لطف الهی نیروهای مسلح ما با اقتدار به وظیفه خود عمل کردند. رئیس مجلس خطاب به مردم گفت: به مردم عزیز اطمینان می‌دهم که از این به بعد نیز ما در قدرت از حقوق مردم ایران دفاع می‌کنیم و تحت رهبری و هدایت‌های ولی‌فقیه زمان‌مان و عنایت‌های الهی، باعث پیروزی دیگری برای ایران سربلند خواهیم شد.

میدان نظامی، دیپلماسی، حضور و خدمت؛ چهار جزء یک پیکره واحد

قالیباف در ادامه گفت: پیشرفت مذاکرات در کنار انجام عملیات‌های نظامی در خلیج فارس و موشک‌باران دیشب رژیم صهیونیستی نشان داد که ما باید درک کاملی از هندسه میدان مبارزه داشته باشیم. وی توضیح داد: اگر دیپلماسی را صرفاً گفت‌وگو در اتاق‌های دربسته و لیبندهای دیپلماتیک بدانیم از همان ابتدا شکست می‌خوریم و اگر صرفاً به عملیات‌های نظامی و جنگ تکیه کنیم، نمی‌توانیم از حقوق خود به‌طور کامل دفاع کنیم. رئیس مجلس با بیان اینکه ما در برابر دشمنان ایران چهار میدان مبارزه داریم، گفت: میدان مبارزه نظامی، میدان مبارزه دیپلماسی، میدان حضور مقاومت مردم و میدان خدمت؛ ۳ میدان اول از میدان چهارم پشتیبانی می‌کند. این چهار میدان نه تنها در ۴ خط موازی نیستند بلکه تاروپود یک پیکره واحد هستند که باید مثل بافتن یک لباس با هماهنگی دقیق و لحظه‌ای، لباس موفقیت



پاشینیان ماند

ناکامی متحدان مسکو در انتخابات پارلمانی ارمنستان

گروه بین‌الملل: پیروزی حزب «پیمان مدنی» به رهبری نخست‌وزیر، نیکول پاشینیان، در انتخابات پارلمانی ارمنستان نقطه‌عطفی تعیین‌کننده برای منطقه قفقاز جنوبی به‌شمار می‌رود؛ رخدادی که هم تاب‌آوری دموکراتیک این کشور را تثبیت کرد و هم چرخش راهبردی ایروان به سوی غرب را رسمیت بخشید.

در همین راستا کمیسیون مرکزی انتخابات ارمنستان اطلاعات تمامی ۲۰۰۵ حوزه اخذ رأی را پردازش کرد. بر اساس آمار رسمی، نتایج به این شرح است: حزب «پیمان مدنی» ۴۹/۸۲ درصد (۷۲۷ هزار و ۸۲۷ رأی)، ائتلاف «ارمنستان قوی» ۲۳/۲۸ درصد (۳۴۰ هزار و ۸۸ رأی) و ائتلاف ملی‌گرای «ارمنستان» ۹/۹۳ درصد (۱۴۵ هزار و ۱۱۳ رأی) آرا را به دست آوردند.

حزب «ارمنستان شکوفا» اگرچه تا یک قدمی عبور از سد انتخاباتی پیش رفت اما در نهایت با کسب ۳/۹۹ درصد (۵۸ هزار و ۳۷۸ رأی) از ورود به پارلمان بازماند. سایر احزاب نیز موفق به نزدیک شدن به حد نصاب ۴ درصدی نشدند و در مجموع ۱۲/۹۸ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. گفتنی است در این دوره، یک میلیون و ۴۷۶ هزار و ۹۱۶ نفر از

آسیا

حیات خلوت اژدها

رئیس‌جمهور چین پس از ۷ سال به کره شمالی رفت



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در شرایطی که رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر شکل‌دهی به نظم جدید جهانی وارد مرحله‌ای حساس شده است، سفر دو روزه شی جین‌پینگ به کره شمالی، توجه ناظران بین‌المللی را به‌خود جلب کرده است. رئیس‌جمهوری چین روز سه‌شنبه پس از سفری کم‌سابقه به پیونگیانگ به پکن بازگشت؛ سفری که اگرچه در ظاهر با مراسم‌های نمادین، دیدارهای رسمی و تأکید بر روابط تاریخی دو کشور همراه بود اما در واقع حامل پیام‌های مهمی درباره آینده موازنه قدرت در شرق آسیا و جایگاه کره شمالی در معادلات منطقه‌ای بود.

شی جین‌پینگ که برای نخستین‌بار طی ۷ سال گذشته به کره شمالی سفر می‌کرد، در پیونگیانگ مورد استقبال گسترده مقام‌های این کشور قرار گرفت. کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، در توصیف این سفر از عباراتی کم‌سابقه استفاده کرد و شی را «بزرگ‌ترین مهمان دولتی» کشورش خواند. او همچنین انتخاب کره شمالی به‌عنوان نخستین مقصد سفر خارجی رئیس‌جمهوری چین در سال ۲۰۲۶ را نشانه‌ای از حمایت قاطع پکن از پیونگیانگ دانست؛ حمایتی که در شرایط کنونی برای کره شمالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دو رهبر در دیدارهای خود بر گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله تجارت، کشاورزی، ساخت‌وساز، فناوری و حمل‌ونقل تأکید کردند.

شی جین‌پینگ اعلام کرد که پکن آماده است روابط سنتی دو کشور را وارد مرحله‌ای تازه کند و همکاری‌های اقتصادی را در سطحی گسترده‌تر توسعه دهد. در مقابل، کیم جونگ اون نیز حفظ روابط دوستانه با چین را مهم‌ترین اولویت راهبردی سیاست خارجی کشورش توصیف کرد و بر ضرورت تعمیق همکاری‌های دوجانبه تأکید ورزید.

بخش مهمی از برنامه‌های این سفر به نمایش نمادهای تاریخی و ایدئولوژیک روابط دو کشور اختصاص داشت. شی و کیم از برج دوستی چین و کره شمالی بازدید کردند؛ بنایی که به یاد سربازان چینی کشته شده در جنگ کره ساخته شده است. تصاویر منتشر شده از این مراسم، نشان می‌داد که رهبران دو کشور در فضایی آکنده از نمادهای تاریخی بر اهمیت حفظ میراث مشترک و ادامه همکاری‌های سنتی تأکید دارند. رسانه‌های دولتی چین



شهروندان ارمنستانی، پای صندوق‌های رأی رفتند. به این ترتیب در توزیع نهایی کرسی‌های مجمع ملی، تنها ۸۳/۰۳ درصد آرا (متعلق به احزاب و ائتلاف‌هایی که از سد قانونی گذشتند) ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. از این میزان سهم حزب حاکم حدود ۶۰ درصد، ائتلاف ارمنستان قوی ۲۸ درصد و ائتلاف ارمنستان ۱۲ درصد است. با توجه به اینکه پارلمان ارمنستان دارای ۱۰۵ کرسی است، این کرسی‌ها به صورت تناسبی به شرح زیر توزیع خواهد شد: حزب پیمان مدنی: ۶۴ کرسی، ائتلاف ارمنستان قوی: ۲۹ کرسی و ائتلاف ارمنستان: ۱۲ کرسی.

با این ترکیب، روشن است که حزب «پیمان مدنی» اکثریت پارلمانی را برای ۵ سال آینده تضمین کرده و می‌تواند به تنهایی و بدون نیاز به ائتلاف، دولت جدید را تشکیل دهد.

نرخ مشارکت در این انتخابات ۵۹ درصد اعلام شد که افزایش چشمگیری را نسبت به انتخابات سال ۲۰۲۱ (با مشارکت ۴۹ درصدی) نشان می‌دهد.

مهم‌ترین عامل داخلی پیروزی حزب پیمان مدنی، فقدان یک جایگزین معتبر در میان اپوزیسیون پراکنده و چندپاره بود. پاشینیان که مهارت بالایی در ارتباط‌گیری سیاسی دارد،

دهد اما بقای بلندمدت اقتصاد این کشور همچنان به چین وابسته است. به همین دلیل شی جین‌پینگ تلاش کرد با ارائه چشم‌اندازی از همکاری‌های اقتصادی گسترده‌تر، پیونگیانگ را بیش از پیش در مدار راهبردی چین نگه دارد.

از منظر اقتصادی نیز این سفر حامل پیام‌های مهمی بود. تأکید بر توسعه همکاری در بخش‌های کشاورزی، فناوری، زیرساخت و حمل‌ونقل نشان می‌دهد که دو کشور در حال حرکت به سمت روابطی ساختاریافته‌تر هستند. این روند می‌تواند، زمینه را برای ادغام بیشتر اقتصاد کره شمالی در شبکه‌های تجاری و زنجیره‌های تأمین مرتبط با چین فراهم کند. احیای مسیرهای حمل‌ونقل و گسترش پروژه‌های عمرانی نیز از جمله موضوعاتی بود که در مذاکرات دو طرف مورد توجه قرار گرفت و می‌تواند، وابستگی اقتصادی پیونگیانگ به پکن را بیش از گذشته افزایش دهد.

در بعد سیاسی این سفر همچنین نشانه‌ای از شکل‌گیری همکاری عمیق‌تر میان کشورهایی است که در سال‌های اخیر مواضع انتقادی نسبت به نظم بین‌المللی تحت رهبری آمریکا داشته‌اند. تأکید دو طرف بر دستیابی به «درک عمیق‌تر و جامع‌تر» از روابط دوجانبه و حمایت مجدد کیم جونگ اون از سیاست «چین واحد» در قبال تایوان، نشان می‌دهد که روابط دو کشور از سطح همکاری‌های صرفاً اقتصادی فراتر رفته و ابعاد ژئوپلیتیکی پررنگ‌تری پیدا کرده است.

در عین حال، یکی از نکات قابل‌توجه این دیدار سکوت دو طرف درباره برنامه هسته‌ای کره شمالی بود. در بیانیه‌ها و گزارش‌های رسمی منتشر شده از این سفر هیچ اشاره مهمی به موضوع خلع‌سلاح هسته‌ای یا برنامه اتمی پیونگیانگ دیده نمی‌شود؛ موضوعی که سال‌ها یکی از اصلی‌ترین محورهای گفت‌وگوهای منطقه‌ای بوده است. این مسئله از نگاه بسیاری از تحلیلگران نشان‌دهنده آن است که اولویت‌های امنیتی چین در قبال کره شمالی تغییر کرده و حفظ ثبات سیاسی و امنیتی این کشور بر فشار برای محدودسازی برنامه هسته‌ای آن ارجحیت یافته است.

در نهایت، این سفر یک پیام آشکار دیگر به واشنگتن بود. هنگامی که شی در میدان کیم ایل سونگ در میان هزاران شهروند پرچم‌بهدست ایستاد، پیام روشنی به واشنگتن و سئول ارسال شد: اتحاد سنتی «لپها و دندان‌ها» که از دوران جنگ سرد به‌جا مانده بود اکنون به شرکاتی مدرن و راهبردی تبدیل شده که برای مقابله بلندمدت با فشارهای غرب طراحی شده است. این سفر صرفاً تأیید دوباره یک دوستی قدیمی نبود بلکه نشانه‌ای از تثبیت بلوکی بود که نظم بین‌المللی کنونی را رو به افول می‌بیند. چین با تثبیت جایگاه کره شمالی در مدار نفوذ خود، تضمین کرده که هرگونه راه‌حل آینده برای مسئله کره باید از مسیر پکن عبور کند؛ موضوعی که احتمال تحقق وحدت کره تحت حمایت آمریکا را به‌شدت کاهش داده و امنیت جبهه شرقی چین را برای آینده قابل پیش‌بینی تقویت می‌کند.



است اما در سال‌های اخیر نزدیکی روزافزون پیونگیانگ و مسکو، نگرانی‌هایی را در پکن ایجاد کرده است. همکاری‌های گسترده روسیه و کره شمالی پس از آغاز جنگ اوکراین، ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. مسکو با ارائه حمایت‌های دیپلماتیک و اقتصادی همچنین گسترش همکاری‌های نظامی، نفوذ خود را در پیونگیانگ افزایش داده است. در چنین شرایطی سفر شی جین‌پینگ را می‌توان پاسخی به این تحولات دانست؛ پاسخی که هدف آن یادآوری این واقعیت است که چین همچنان مهم‌ترین شریک راهبردی کره شمالی و اصلی‌ترین تضمین‌کننده ثبات اقتصادی و سیاسی این کشور به‌شمار می‌رود.

پیام پکن در این سفر روشن بود: روسیه ممکن است فرصت‌های کوتاه‌مدت و حمایت‌های مقطعی در اختیار کره شمالی قرار

تضمین‌کننده ثبات داخلی بدانند.

از منظر ژئوپلیتیکی، این انتخابات به عرصه‌ای برای رقابت نفوذ قدرت‌های خارجی تبدیل شد؛ رقابتی که ناظران بین‌المللی آن را نمونه‌ای آشکار و بی‌سابقه از مداخله روسیه توصیف کردند. کرملین که در پی جلوگیری از نزدیک شدن ایروان به اتحادیه اروپا و ایالات متحده بود، مجموعه‌ای از ابزارهای جنگ ترکیبی را به کار گرفت؛ از جمله عملیات تأثیرگذاری اطلاعاتی و اقدامات اقتصادی تشبیهی مانند ممنوعیت ناگهانی واردات برخی کالاها از ارمنستان. با وجود این تلاش‌ها، اکثریت جامعه ارمنستان فشارهای اقتصادی روسیه را نپذیرفتند؛ امری که نشان‌دهنده فروپاشی عمیق اعتماد عمومی به مسکو پس از ناتوانی این کشور در تضمین امنیت ارمنستان در جریان بحران قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ است.

پیروزی پاشینیان در واقع تأییدی بر سیاست او در توجع‌بخشی به شرکای امنیتی، نزدیک شدن به بروکسل و پیشبرد ادغام منطقه‌ای بود؛ سیاستی که شامل تلاش برای نهادینه‌سازی توافق صلح مورد حمایت غرب با جمهوری آذربایجان همچنین گشایش مرزهای بسته با ترکیه می‌شود. با وجود قاطعیت این پیروزی، مسیر سیاسی پیش روی پاشینیان همچنان با پیچیدگی‌های ساختاری همراه است. از آنجا که حزب پیمان مدنی نتوانست اکثریت دوسوم لازم برای اصلاح قانون اساسی را به دست آورد، نخست‌وزیر اختیار یکجانبه برای اجرای اصلاحات گسترده قانون اساسی که آذربایجان آن را پیش‌شرط ضروری برای امضای پیمان صلح نهایی می‌داند، در اختیار ندارد. برای عبور از این مانع، پاشینیان یا باید حمایت برخی نمایندگان اپوزیسیون را برای تصویب برگرایی همه‌پرسی جلب کند یا در آینده به برگزاری انتخابات زودهنگام همدمند متوسل شود.

دیپلماسی

ایران و آمریکا در یک قدمی توافق

رایزنی‌های فشرده پاکستان ادامه دارد

مقامات ایرانی و آمریکایی در موضع‌گیری‌های اخیر خود، درخصوص حصول توافقی قریب‌الوقوع اظهار خوش‌بینی کرده‌اند. در این راستا، «امیرسعید ابروانی» سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد گفته است: تبادل نظرات برای رسیدن به متن نهایی با آمریکا ادامه دارد. ابروانی روز دوشنبه به وقت محلی پس از نشست شورای امنیت درباره افغانستان افزود که آمریکا و ایران از طریق پاکستان «در حال ارائه و تبادل دیدگاه‌ها و نظرات برای رسیدن به متن نهایی» هستند. سفیر ایران در سازمان ملل تصریح کرد: «هنوز به متن نهایی دست نیافته‌ایم» اما در حال پیگیری هستیم. او ابراز امیدواری کرد که توافق تا پایان ماه میلادی جاری انجام شود. همچنین در این راستا «اسماعیل بقایی» سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز اعلام کرده که دو طرف در مرحله نهایی‌سازی یادداشت تفاهمی هستند که محور اصلی آن پایان جنگ است. وی تصریح کرد که پایان تعرضات دریایی آمریکا که واشنگتن از آن با عنوان محاصره دریایی یاد می‌کند و آزادسازی اموال بلوکه شده ایران از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این یادداشت تفاهم است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پیش از ترک نیویورک در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد که مذاکرات با ایران همچنان ادامه دارد و طی یکی دو روز آینده، مسیر این گفت‌وگوها روشن‌تر خواهد شد. وی همچنین اظهار کرد در صورت امضای توافق، تردد در تنگه هرمز از سر گرفته خواهد شد و احتمال دارد، توافق نهایی ظرف دو تا سه روز آینده امضا شود. جی‌دی ونس، معاون ترامپ نیز گفت: «تحولات ماه‌های اخیر، فضایی را برای دستیابی به یک توافق بلندمدت در مورد مسئله هسته‌ای ایران ایجاد کرده است». در همین حال، یک منبع پاکستانی در گفت‌وگو با العربیه نیز مدعی شد: اسلام‌آباد در حال انجام تماس‌ها و رایزنی‌هایی با همه طرف‌هاست تا در همین هفته به یک تفاهم دست یابد.



یاد

عکاس تمبرشناس

ویلیام هارتونیان
عکاس پیشکسوت ارمنی درگذشت



ویلیام هارتونیان، عکاس پیشکسوت که از جمله عکاسان ارمنه ایران بود، ۱۴ خرداد در ۷۱ سالگی درگذشت. او یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌گران، تاریخ‌دانان و پیشکسوتان تمبر و فیلاتلی ایران و از اعضای گروه تمبرشناسی ایران بود. کتاب «راهنمای تمبرهای کلاسیک ایران» که اثری برجسته به‌شمار می‌رود، با همکاری هارتونیان و گروهی از پژوهش‌گران تألیف و منتشر شده است.

ویلیام هارتونیان ۱۴ فروردین ۱۳۳۴ در تهران و در خانواده‌ای مسیحی زاده شد. پدرش کارمند شرکت ملی نفت ایران بود که با توجه به تسلط به زبان روسی و انگلیسی، در کنار خدمت در شرکت ملی نفت در «رادیو ایران» کار ترجمه نیز انجام می‌داد. ویلیام در خانواده‌ای فرهنگی و هنر دوست رشد کرد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در کنار تحصیل در مدرسه، مطالعه بر روی زبان روسی و انگلیسی را با راهنمایی پدرش دنبال کرد. در دانشگاه در مقطع کارشناسی موفق به دریافت دانش‌نامه در رشته مهندسی متالورژی از دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر) شد. در این زمان علاوه بر تخصص در هنر عکاسی، به زبان‌های روسی و انگلیسی، تسلط کامل داشت.

ویلیام هارتونیان از جمله عکاسان مسیحی و جمعیت ارمنه عکاس حاضر در کشور ایران بود که سال‌ها با سعی و تلاش و دانش خود، خدمات کم‌نظیری را به جمعی از عکاسان فیلمی و آنالوگ در دهه ۶۰ ارائه کرد و سال‌های زیادی از فعالیت حرفه‌ای خود را به کار در لابراتوارهای تخصصی ظهور نکاتو، اسلاید و چاپ عکس اختصاص داد. هارتونیان در دوره‌ای که عکاسی فیلمی نقش پررنگی در فضای حرفه‌ای عکاسی ایران داشت، با دانش فنی و تجربه خود به بسیاری از عکاسان در فرآیندهای فنی چاپ و ظهور عکس یاری رساند.

از مهم‌ترین دوره‌های کاری او می‌توان به فعالیت در لابراتوار «تلمپاتی» در خیابان خارک تهران با شادروان علی رئیس‌ششاقی اشاره کرد؛ فضایی که برای بسیاری از عکاسان حرفه‌ای، به محل تعامل و گفت‌وگوهای فنی درباره عکاسی تبدیل شده بود. هارتونیان در این محیط با روحیه‌ای صمیمی، زمینه شکل‌گیری جمع‌های دوستانه و تبادل تجربه میان عکاسان را فراهم می‌کرد. با خوش‌خلقی گنده‌های عکاسی دوستانه‌ای را فراهم می‌کرد و در آن جمع با خوش‌ویش‌های دوستانه، مباحث فنی-مهندسی عکاسی را طرح می‌کرد و مورد بحث قرار می‌داد. در کارنامه حرفه‌ای هارتونیان تأسیس شرکت عکس‌برداری صنعتی و تبلیغاتی «شیدنگار» در سال ۱۳۵۸ نیز دیده می‌شود. هم‌چنین از سال ۱۳۷۷ به عنوان مدرس در گروه عکاسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران فعالیت داشت و در طول سال‌های تدریس خود راهنمایی ده‌ها پایان‌نامه دانشجویی در رشته عکاسی را برعهده گرفت. هارتونیان از اعضای هیأت‌مدیره انجمن عکاسان تبلیغاتی و صنعتی ایران هم بود و در توسعه فعالیت‌های حرفه‌ای این حوزه نقش داشت.

نقد خنده‌دار نظریه ایرانی‌شناسی

محمد دهقانی در گفت‌وگویی به نفی و هجو سیدجواد طباطبایی پرداخته است

نشر مد به‌تازگی کتاب «ابن‌خلدون: زندگی و اندیشه او» نوشته رابرت اروین را با ترجمه محمد دهقانی، منتشر کرده است. دهقانی در گفت‌وگویی که به بهانه انتشار این کتاب با خبرگزاری ایبنا داشته، به انتقادات شدید نسبت به سیدجواد طباطبایی پرداخته و او را متهم به ناتوانی در خواندن «تاریخ بیهقی» و ابن‌خلدون کرده است. این انتقادات در حالی اکنون مطرح شده که سه دهه از چاپ نخست «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» طباطبایی می‌گذرد و نه‌تسا دهقانی در زمان حیات طباطبایی، هیچ نقدی مطرح نکرده بود که پاسخش را بتواند از او بگیرد، بلکه جالب‌تر این که با وجود ادعای پیگیری آثار طباطبایی، عنوان می‌کند تازه در حال خواندن کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» است و خواندنش را به پایان هم نرسانده است.

دهقانی در این گفت‌وگو درباره سیدجواد طباطبایی گفته است: «در مورد کارهای آقای طباطبایی، من اخیراً مجموعه مقالات او را که در یک کتاب منتشر شده، می‌خوانم. راجع به کل کارهای آقای طباطبایی معتقدم ایشان مدعی چیزهایی است که نمی‌داند. نمی‌داند چون نمی‌تواند اصل آن‌ها را بخواند، از جمله ابن‌خلدون. به نظر من ایشان عربی درست بلد نبوده، متون کلاسیک فارسی را اصلاً نمی‌توانست درست بخواند، گرچه با توپ پسر به مردم می‌گفت تاریخ بیهقی بخوانید. مطمئنم خودش یک صفحه این کتاب را نمی‌توانست

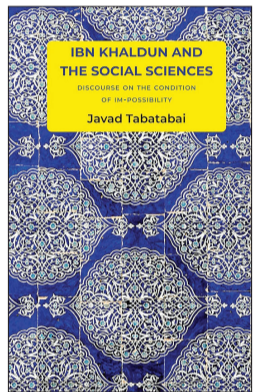
به درستی بخواند و بفهمد. عجیب است که براساس این نخوانده‌های خودش یا خوانده‌ها و درست‌نهمیده‌های خودش، نظریه صادر می‌کند! این شگفت‌انگیز است. من هیچ‌وقت نخواستم با این استاد عزیز تا وقتی که زنده بود، هرگز مواجه بشوم. حتی به من گفتند که شما چرا کارهایش را نقد نمی‌کنید؟ گفتم مگر بیکارم! من از اولین کارهای ایشان خواندم تا همین اواخر که می‌نوشتند. البته از یک‌جا به‌بعد آثارشان را چندان جدی نمی‌گرفتم. وقتی یکی از کارهای اول‌شان یعنی دیباچه‌ای بر تاریخ انحطاط را خواندم، دیگر جدی نگرفتم. با این که می‌خواندم. البته ایشان عده‌ای مرید دارند و اندیشه خنده‌دار ایرانی‌شناسی را مطرح می‌کنند. در حالی که به نظر من هیچ‌کدام این‌ها پایه و مایه‌ای ندارد و پرداخته خیالات خود ایشان است، با فکت‌های نادرست و نادرست‌خوانی‌هایی که از آثار کلاسیک عربی و فارسی دارد. بنابراین من وارد آن ماجرا نمی‌شوم». و در ادامه در

پاسخ به این سوال که «مشخصاً در مورد ابن‌خلدون ایشان چه نقدی می‌توان وارد کرد؟» می‌گوید: «در حال خواندن آن هستم. کتاب پر از یادداشت است. بعداً اگر حوصله داشتم می‌توانم آن‌ها را گردآوری کنم و خدمت شما بگویم. اما واقعاً برای خودمان متأسفم، مردمی که خودشان را فریب می‌دهند با این جور چیزها. می‌دانم که ایشان مریدان زیادی دارد، با خیالات خودشان خوش باشند و بروند و ایرانی‌شناسی درست کنند».

محمد دهقانی علاوه بر این که کتابی که هنوز خواندنش را به پایان نرسانده، این‌گونه نفی کرده، بلکه با عنوان کردن عبارت «اندیشه خنده‌دار ایرانی‌شناسی» نشان می‌دهد چه میزان با اسلوب و مبانی نقد اندیشه آشناست.

دهقانی در حالی کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی: گفتار در شرایط امتناع» طباطبایی را این‌گونه نفی و هجو می‌کند که انتشارات معتبر polity اوایل سال ۲۰۲۴ ترجمه

انگلیسی فیلیپ گرانت / Philip grant این کتاب را با عنوان «Ibn Khaldun and the Social Sciences: Discourse on the Condition of Im-Possibility» منتشر کرده است. انتشارات polity یک نشر معتبر انگلیسی‌زبان است که بهترین تحقیقات جدید در زمینه علوم انسانی را منتشر می‌کند. شماری از آثار بزرگ‌ترین محققان حال‌حاضر علوم انسانی توسط این انتشارات عرضه شده. کتاب جواد طباطبایی



گزارش: سینمای جهان

حضور شاعرانه یک بازیگر

درباره خاویر باردو؛ ستاره محبوب سریال «تنگه وحشت»

حسن تهرانی

منتقد

به‌عنوان یک منتقد ایرانی که بخش عمده زندگی خود را با سینما، ادبیات و خاطر‌هایم زیسته‌ام، همیشه باور داشته‌ام که بازیگران بزرگ را نمی‌توان تنها از دریچه تکنیک فهمید. تکنیک می‌تواند مهارت را توضیح دهد، اما هرگز نمی‌تواند «حضور» را توضیح دهد. بعضی بازیگران با چیزی فراتر از آموزش و مهارت وارد قاب سینما می‌شوند؛ چیزی که ریشه در اسطوره، شعر، رنج و حافظه جمعی دارد. خاویر باردو یکی از همین بازیگران است.

نخستین بار که باردو را در فیلم Jamón Jamón دیدم صرفاً یک بازیگر جوان اسپانیایی را ندیدم که قدرت خود را مقابل دوربین کشف می‌کند. در چهره و بدن او چیزی دیدم که برای من پرورش‌یافته با شعر فارسی، نگارگری ایرانی، عرفان و ادبیات کلاسیک ایران آشنا بود. سال‌ها پیش از آنکه باردو با فیلم‌هایی چون No Country for Old Men و Beautiful به شهرت جهانی برسد، در وجودش همان تناقضی دیده می‌شد که بارها در هنر ایرانی با آن روبه‌رو شده‌ام: خشونت در کنار لطافت، غرور در کنار فروسودگی روحی، شهوت در کنار اندوه.

منتقدان غربی اغلب بازیگری باردو را در چارچوب رئالیسم، نمایش مردانگی یا سینمای سیاسی تحلیل می‌کنند. همه این نگاه‌ها معتبرند، اما برای من بازی او به سنتی نزدیک است که مرا به یاد انسان سرگردان ادبیات فارسی می‌اندازد؛ انسانی که در ظاهر قدرتمند، اما در درون با زخم‌هایی که هرگز درمان نمی‌شوند. بسیاری از شخصیت‌های بزرگ باردو را می‌توان نواذگان مدرن قهرمانان شکست‌خورده شعر فارسی دانست؛ روح‌هایی بی‌قرار که میان خواهش‌های زمینی و خلأ معنوی گرفتار شده‌اند. این تناقض از همان «ژامون ژامون» آشکار است.

باردو در نقش راتول، جوانی از طبقه کارگر با بازی می‌کند که سرشار از غرور، میل جنسی و پرخاشگری است. در نگاه اول او موجودی غریزی به‌نظر می‌رسد که بیش از آنکه فکر کند، عمل می‌کند. اما زیر این اعتماد به‌نفس جسمانی، تهایی، سردرگمی و گرسنگی عمیق‌تری نهفته است؛ گرسنگی‌ای که فقط جنسی نیست، بلکه وجودی است. همین‌جا بود که باردو خود را از بسیاری از هم‌سنانش جدا کرد. بازیگران متوسط معمولاً جلوه مردانگی را به شکل اطمینان و قطعیت بازی می‌کنند؛ اما باردو مردانگی را همچون اضطراب بازی می‌کند. شخصیت‌های او تظاهر به قدرت می‌کنند، زیرا از شکنندگی خود وحشت دارند.

به‌عنوان یک تماشاگر ایرانی، نمی‌توانم این تناقض عاطفی را از انسان‌های ادبیات فارسی جدا ببینم. در قهرمانان کلاسیک غربی، قدرت اغلب شکلی پیروزمندانه و یکدست دارد، اما در شعر فارسی، از عاشقان زخم‌خورده حافظ تا سالکان سرگشته مولانا، انسان همواره میان غرور و تسلیم در نوسان است. او از یک‌سو خواهان لذت‌های زمینی است و از سوی دیگر در جست‌وجوی معنا و رستگاری. میان تن و جان گرفتار است.

سینمای باردو بارها و بارها همین کشمکش را به تصویر می‌کشد. حتی در «ژامون ژامون» که سرشار از تصاویر اروتیک و میل جسمانی است، باردو از بدن خود صرفاً به‌عنوان ابژه‌ای برای جذابیت استفاده نمی‌کند. بدن او به میدان نبرد تبدیل می‌شود. راه رفتنش، گویی تلاشی دائمی برای اثبات حق بودن است. میل جنسی در شخصیت‌های او اغلب با خشونت همراه می‌شود، زیرا سایه ناامنی و تردید بر آن افتاده است. اعتماد به‌نفس او همواره موقتی، شکننده و نمایشی به‌نظر می‌رسد.

این ویژگی مرا به‌یاد بسیاری از چهره‌های جاودان نقاشی و شعر ایرانی می‌اندازد. در نگارگری ایرانی، جنگاوران و عاشقان حتی در لحظه‌های پیروزی نیز اندوهی در چشمان خود دارند. شادی هرگز از مرگ جدا نیست و

میل به زیستن هرگز از فقدان و فنا فاصله نمی‌گیرد. چهره باردو نیز همین دوگانگی را در خود دارد. یکی از دلایل شیفته‌گی من به بازیگری او، همین است که چهره‌اش تن به‌سادگی نمی‌دهد. برخلاف بسیاری از ستارگان کلاسیک هالیوود که زیبایی‌شان متقارن و کنترل‌شده است، چهره باردو مدام میان خشونت و آسیب‌پذیری در حرکت است. در یک لحظه می‌تواند مظهر مهربانی باشد و در لحظه‌ای دیگر تجسم تهدید. همین سیالیته به او عمقی کم‌نظیر می‌بخشد.

هنر ایرانی همواره تناقض را ستوده است. شعر فارسی کمتر به‌دنبال کمال مطلق بوده و بیشتر زیبایی را در نقص، بی‌ثباتی و اشتیاق یافته است. سنت عرفانی ما نیز انسان را موجودی همزمان مقدس و شکسته، ناتوان و قدرتمند، زمینی و الهی می‌بیند. باردو این پارادوکس را به شکلی غریزی درک می‌کند. حتی هنگامی که نقش شخصیت‌های شرور را بازی می‌کند، هرگز از نظر



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می‌کند

آیین رونمایی از کتاب

ریکاری مای نبی عباس

و شهادت امامان معصوم (ع)

از سایه نفاق تا طلع شادت

سخنرانان

- غلامرضا امیرخانی
رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی
- عبدالمجید معادخواه
پژوهشگر قرآن و تاریخ اسلام
- رسول جعفریان
رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- محمدباقر انصاری
رئیس موسسه بوستان کتاب
- فضل الله صلواتی
مؤلف کتاب

انوبان حفایی، خروجی کتابخانه ملی
مرکز همایش‌های سازمان اسناد و
کتابخانه ملی ایران، سالن حکمت

چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵
ساعت ۱۷ تا ۱۹



گزارش: ورزش

جویندگان طلا

شرایط دشوار تیم ملی ایران برای موفقیت در جام جهانی

سفر تیم ملی ایران به آمریکا برای برگزاری جام جهانی، بسیار یادآور جویندگانی است که در دوران «تب طلا» برای کشف و استخراج این



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

فلز با ارزش از راه‌های دور به ایالات متحده می‌آمدند. تیم ملی ایران، به‌همان اندازه هم کار دشواری دارد اما اگر موفق شود، گویی به معدن طلا دست پیدا کرده باشد.

از رویاها که فاصله بگیریم، خواهیم دید که شرایط برای تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ سخت و ناهموار است و شاید در روزهای آینده، چالش‌های تازه‌ای هم سر برآورند. تصاویری که از اسکورت سنگین اتوبوس تیم‌ملی بعد از ورود به تیخوانا منتشر شد، تا حدودی شرایط و جو این شهر را که میزان این مهمان ناگهانی شده، نشان می‌داد. البته که تیخوانا یکی از شهرهای توریستی مکزیک است اما ورود و خروج سالانه ۱۰ میلیون مسافر و مهاجر، شرایط این شهر را متفاوت نشان می‌دهد. از سوی دیگر، آمار بالای جرم و جنایت در این منطقه مکزیک، نه‌فقط نگرانی هوساواران ایرانی که جدیت و حساسیت ویژه امنیتی را برای مراقبت از تیم ملی به‌وجود آورده است. تیم ملی ایران، قرار بود بعد از حضور در مکزیک، یک بازی تدارکاتی هم با تیم گرانادا برگزار کند. اما گرانادا از این بازی انصراف داد تا تیم‌ملی بدون بازی تدارکاتی، راهی مسابقات جام جهانی شود که اتفاقی عجیب و منحصر‌به‌فرد برای یک تیم حاضر در این تورنمنت است. مشکل بزرگ دیگری که وجود دارد، این است که تا الان، حتی نزدیک‌ترین افراد به تیم ملی هم نمی‌دانند که شرایط حضور در آمریکا برای برگزاری مرحله گروهی چگونه خواهد بود. خبرهای ضدونقیض در این رابطه کم نیست و سکوت فیفا و حیوانی اینفانتینو همه چیز را ابهام‌آمیزتر جلوه می‌دهد. برخی خبرها، حاکی از این است که تیم‌ملی با پرواز به آمریکا می‌رود اما خبرهایی در رابطه با اینکه تیم از طریق مرز زمینی مکزیک به ایالات متحده خواهد رفت هم وجود دارد. هنوز مشخص نیست که تیم‌ملی ۴۸ ساعت قبل از مسابقه به لس‌آنجلس می‌رود یا همان روز باید به محل برگزاری مسابقه سفر کند و اگر این اتفاق بیفتد، تکلیف کنفرانس خبری قلم‌نویسی چه می‌شود؟ آیا فیفا پروتکل‌های خود را هم در این جام جهانی عجیب زیرپا می‌گذارد؟

برخوردی که آمریکا به‌عنوان میزبان بازی‌ها با تیم‌های از ایستکان و سنگال در ورودشان به این کشور داشت، نگرانی‌هایی را نیز برای تیم ایران به‌وجود آورده است. آمریکا همچنین ایمن حسین، مهاجم عراق را ۷ ساعت بازداشت کرده و مورد بازجویی قرار داد و داور سومالیایی را دیپورت کرد. تیم ایران قبل از همه اینها، تیغ این برخوردها را با عدم‌صورت ویزا برای مهدی تاج در کانادا و پس از آن عدم اجازه ورود به ۱۵ نفر همراه تیم ملی توسط آمریکا احساس کرده بود. همچنین حرف‌های سخنگوی وزارت امور خارجه که گفته «نگرانی وجود دارد که حجم و دامنه برخی کارشنکی‌های احتمالی به این موارد محدود نخواهد ماند و در ادامه مسیر ممکن است شاهد بروز برخی رفتارهای چالش‌زا از سوی مسئولان برگزارکننده یا حتی نهادهای مرتبط با امور مهاجرتی باشیم» نیز بر نگرانی‌ها اضافه می‌کند.

با وجود تمام مراقبتی که برای جلوگیری از تأثیرگذاری این مسائل روی تیم و بازیکنان می‌شود، نمی‌توان تصور کرد که تمام این اتفاقات، اثری بر روح و روان تیم نداشته باشد. تیمی که فقط دو بازی تدارکاتی با تیم‌های درجه چندم داشته و شرایط جنگی را پشت‌سر گذاشته است. بازی‌های تیم‌ملی که در ترکیه برگزار شد، طوری نبود که بتواند تیم را برای آماده شدن برای مسابقات تحت‌فشار بگذارد و حالا مشخص می‌شود که حواشی هم کم نبوده است. البته که وقتی فشارهای بیرون زیاد باشد، ناخودآگاه روی تیم اثر می‌گذارد. امیر قلم‌نویسی که شاید تا یک‌سال پیش، بهترین گزینه برای هدایت این تیم ملی نبود حالا به‌نظر بهترین و مناسب‌ترین فرد است. او کسی است که بیش از همه باید تیم را در این شرایط مدیریت کند. شاید به همین خاطر بود که وقتی آندرانیک تیموریان، دستیارش، به‌خاطر مسائلی که در تیم وجود داشت، اعلام کرد که قصد استعفا دارد، قلم‌نویسی پذیرفت و ماجرا جمع شد. هرچند گزارش دیلی‌میل درباره بازیکن کنار استخر را نمی‌شد کاری کرد اما انتشار آن نشان داد که او و دیگر اعضای تیم توانستند فضا را قبل از انتشار گزارش تا حدودی مدیریت کنند. قلم‌نویسی را فعلاً نمی‌توان جزو خوش‌شانس‌ترین مربیان تاریخ تیم ملی دانست چراکه او در سخت‌ترین مقطع تاریخی فوتبال ایران، هدایت تیم را به‌عهده گرفته است. او برای این مسابقات توانست تمام بازیکنان مورد نظرش را در اختیار داشته باشد. چند مصدوم مهم و خط‌خوردن عجیب سردار آزمون و قبل از آن احمد نوراللهی باعث شد که لیست تیم با بازیکنان متفاوتی بسته شود. دنیس اکر (درگاهی) که قرار بود جای خالی سردار را پر کند، خیلی زود در اردو مصدوم شد. حالا این تیم به‌عنوان کم‌ستاره‌ترین تیم تاریخ فوتبال ایران، حکم جویندگانی را دارد که با پای پیاده و عبور از مسیرهای کشنده، برای یافتن طلا به آمریکا رفتند. مهدی طارمی بی‌شک اصلی‌ترین ستاره تیم است و گفته می‌شود در حال حاضر نقش محوری و کلیدی در رختکن را دارد. اما چند چهره باتجربه دیگر هم هستند که میدان سخت جام جهانی را تجربه کرده‌اند. سعید عزت‌اللهی، علیرضا بیرانوند، احسان حاج‌صفی، میلاد محمدی و رامین رضائیان در این زمینه می‌توانند به تیم کمک کنند.

تیم ایران شرایط سختی برای موفقیت و یا حتی حضور برای برگزاری مسابقات در جام جهانی دارد اما تاریخ فوتبال نشان داده که گاهی تیم‌ها در چنین شرایطی، واکنش متفاوتی نشان می‌دهند و نتایج بزرگی را رقم می‌زنند. شاید این تیم بتواند آن کار بزرگ تاریخی را انجام بدهد.



بررسی قرار می‌گیرد و به جنبه‌هایی از «نظریه عمران ابن‌خلدون» و طرح و مبانی این دانش به تفصیل پرداخته می‌شود و سپس با مبانی معرفتی علوم اجتماعی قیاس می‌شود. توصیفات ابن‌خلدون از عدالت، واقعیت اجتماعی، تجمل و به‌طور کلی نظریه اقتصادی او در بخش‌های بعدی کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» بررسی می‌شود. پس از تحلیل رویکرد غربی نسبت به سنت در عصر جدید، ایدئولوژی مدرنیسم ابن‌خلدون و تاریخ اندیشه در دوره اسلامی مرور می‌شود. جواد طباطبایی در این اثر به نقد دیدگاه‌های روشن‌فکران و نظریه‌پردازانی چون داریوش شایگان، جلال آل‌احمد، احسان نراقی، علی شریعتی و... در زمینه رویکرد آن‌ها به علوم اجتماعی پرداخته است.

در معرفی پشت جلد کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» آمده: «این دفتر رساله‌ای در شرایط امتناع علوم اجتماعی در تمدنی اسلامی است. اصطلاح «امتناع» در ترکیب شرایط امتناع، که، چنان که خواهد آمد، در مناقشه‌ای بر «شرایط امکان» میشل فوکو به کار رفته، مندرج در تحت مجادله‌ای از سنخ «امتناع تفکر در فرهنگ دینی» - که روی دیگر سکه ایدئولوژی «آنچه خود داشت ... است - نیست که به‌ویژه در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی تدوین شد و تا امروز نیز هرگز از رونق بازار آن کاسته نشده است. نظریه نخست، «امتناع تفکر»، مصداق «موتوا قبل أن تموتوا»، دعوتی به خودکشی جمعی است و ایدئولوژی دوم، در ادامه خیال‌اندیشی‌هایی که امروزه به مردردیگ عرفان مبتذل نیز آمیخته شده، نظریه‌ای در بی‌خیالی‌های قومی ماست. بحث در «شرایط امتناع»، در بیرون قلمرو آسان‌گیری‌های این دو وجه «ایدئولوژی ایرانی»، در سرزمین کمابیش ناشناخته‌ای تدوین شده است که پیش‌داوری‌های مخالف‌خوانی بیمارگونه و خوش‌خیالی‌های ستایش‌آمیز را به آن راهی نیست. وانگهی، نظریه «شرایط امتناع»، به گونه‌ای که گفته شد، اگرچه با نظری به بحث‌های معرفتی جدید در اروپا تدوین شده است، اما مقلد آن نظریه‌ها نیست، بلکه کوشش می‌کند مواد ناحیه‌ای از تاریخ اندیشه در جهان اسلام را به محک آن نظریه‌ها بزند و در صورت امکان راهی به سوی نقادی بگشاید.»

حاشیه‌نشینانی را درک می‌کند، زیرا شخصیت‌های بسیاری را جان بخشیده که زیر فشار ساختارهای بزرگ‌تر از خود خرد شده‌اند.

باردم در کنار همسرش Penélope Cruz بارها در کارزارهای بشردوستانه شرکت کرده و از نفوذ و شهرت خود برای جلب‌توجه به بحران‌های انسانی بهره برده است. این پیوند میان هنر و مسئولیت اخلاقی مرا به‌یاد جایگاه شاعر در سنت ایرانی می‌اندازد؛ جایی که شاعر صرفاً آفریننده زیبایی نبود، بلکه وظیفه داشت در برابر ریاکاری، ظلم و فراموشی حقیقت بایستد. باردم نیز در زبان سینما، نقشی مشابه ایفا می‌کند. امروز آنچه بیش از همه در «ژامون ژامون» مرا مجذوب می‌کند، صرفاً معرفی یک بازیگر بزرگ نیست. بسیاری از فیلم‌ها بازیگران تازه‌ای را معرفی می‌کنند، اما تعداد اندکی از آنها از همان آغاز، فلسفه هنری یک بازیگر را آشکار می‌سازند. باردم از همان ابتدا فهمیده بود که سینما پیش از آنکه به دیالوگ یا روایت وابسته باشد، بر حضور استوار است.

در عرفان ایرانی مفهومی وجود دارد که براساس آن، فهم حقیقی همیشه از راه توضیح حاصل نمی‌شود؛ گاه تنها از طریق حضور به‌دست می‌آید. از طریق حال‌وهوایی که یک انسان با خود می‌آورد. شاید بزرگ‌ترین موهبت خاویر باردم نیز همین باشد. او حتی در سکوت و سکون، فضا خلق می‌کند. به همین دلیل است که تماشاگران مدت‌ها پس از پایان صحنه‌ها او را به‌خاطر می‌آورند. پیش از جوایز، پیش از شهرت جهانی و پیش از آنکه به یکی از مهم‌ترین چهره‌های سینمای معاصر تبدیل شود، باردم چیزی نادر در اختیار داشت: سنگینی عاطفی.

جوان خام و پرشور «ژامون ژامون» در ظاهر سراسر غریزه و شور جسمانی است، اما پشت آن چهره، فیلسوف اندوهگین فیلم‌های بعدی را می‌توان دید. شاید به همین دلیل است که من، به‌عنوان منتقدی ایرانی که با شعر فارسی و اندیشه عرفانی رشد کرده‌ام، هرگز بازی‌های او را صرفاً رئالیستی نمی‌بینم. بهترین شخصیت‌های باردم همیشه میان جسم و روح، غریزه و آگاهی، میل زمینی و یأس معنوی معلق‌اند. و شاید راز قدرت او نیز همین باشد. خاویر باردم فقط نقش بازی نمی‌کند. او تراژدی انسان بودن را به تصویر می‌کشد. این نوشته، بخشی از فصل اول کتابی است که درباره روش بازیگری خاویر باردم در دست نوشتن دارم.



ایرانی به زبان‌های خارجی نشان می‌دهد که کشور ما هم سهمی در گسترش معرفت دارد و فقط مخاطب منفعل آثار خارجی یا عرضه‌کننده آثار دست‌چند نیست. امید است که ترجمه آثار فارسی به زبان‌های دیگر ادامه یابد، همچنین این ترجمه‌ها به شکل غیرمستقیم به افزایش کیفیت تألیفات فارسی نیز کمک کند.

راهی به سوی نقادی

جواد طباطبایی در کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» شرایط امتناع علوم اجتماعی در تمدن اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. طباطبایی نظر کسانی را که معتقدند ابن‌خلدون بنیان‌گذار علوم اجتماعی در تمدن اسلامی است، رد می‌کند. در این کتاب تلاش می‌شود تا جامعه‌شناسی برخی از ابعاد معرفت و روش‌شناسی نویسنده درباره علوم جدید اجتماعی، به‌ویژه ایده امتناع «ابن‌خلدون» از علوم اجتماعی، تحلیل و تفسیر شود. به همین دلیل، ابتدا رابطه بین فلسفه و تفکر ابن‌خلدون با سنت مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن بخشی در مورد مباحث کلامی نظریه اجتماعی او در الهیات و علم کلام متأخر صورت می‌گیرد. سپس با تأملی در اندیشه‌های افلاطون، فارابی و ابن‌خلدون، دیدگاه فلسفه اسلامی در مورد ماهیت جامعه بشری مورد



ذیل مجموعه «مطالعات انتقادی جنوب» (critical south series) در این انتشارات قرار گرفته. در این مجموعه آثاری از نویسندگان آفریقا و آمریکای لاتین نیز به‌چشم می‌خورد و برخی آثار آن درباره مطالعات پسااستعماری و مطالعات آمریکای لاتین هستند. آقای دهقانی بهتر است بگوید با اتکا به چه پشتوانه و جایگاه علمی کتابی را که حتی هنوز خوانندش به پایان نرسانده با زبانی هجوآمیز نفی می‌کند.

توجه جهانی به جواد طباطبایی

ترجمه انگلیسی کتاب «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» جواد طباطبایی در ۴۱۴ صفحه، رخدادی مهم در زمینه تبادلات میان‌فرهنگی است و کمک می‌کند اندیشه‌های ایرانیان در سطح جهانی معرفی شود. بهترین اندیشه‌ها اگر در سطح محدود و محلی بمانند، مخاطب شایسته خویش را نخواهند یافت و اثرگذاری زیادی ندارند. ترجمه آثار نویسندگان ایرانی به زبان‌های دیگر کمک می‌کند تا اندیشه آنان مخاطب بیشتری بیابد، همچنین کمک می‌کند تا جایگاه مستقل این اندیشمندان درک شود، اندیشمندی که اگرچه از فلسفه و جامعه‌شناسی غربی تأثیر پذیرفته‌اند، سعی کرده‌اند درک بومی و شخصی خود را از مسائل داشته و از درجه‌ای از نوخ و اصالت برخوردار بوده‌اند. ترجمه آثار

احساسی تهی نمی‌شود. آدم‌های او ممکن است مرتکب اعمال هولناک شوند، اما در جایی از وجودشان هنوز رنج، تحقیر، خاطره یا ویرانی روحی باقی مانده است. به همین دلیل شورورهای او از بسیاری از ضدقهرمانان سینمایی ترسناک‌ترند؛ زیرا همچون هیولاهای انتزاعی رفتار نمی‌کنند بلکه شبیه انسان‌هایی هستند که راه خود را به سوی رحمت گم کرده‌اند.

این ویژگی بعدها در فیلم‌هایی چون «جایی برای پیرمردها نیست» و Skyfall به اوج رسید، اما ریشه‌های آن را می‌توان از همان نخستین نقش‌هایش مشاهده کرد. باردم می‌داند که سکوت خود نوعی بیان روان‌شناختی است. پیش از آنکه سخن بگوید، نگاه می‌کند. پیش از آنکه واکنش نشان دهد، فضا را جذب می‌کند. سکوت اطراف او به تش تبدیل می‌شود. برای کسی که با سینمای ایران رشد کرده است، این ویژگی بسیار آشناست. فیلم‌سازی چون Majid و Abbas Kiarostami, Asghar Farhadi و Majidi بارها نشان داده‌اند که آنچه گفته نمی‌شود، گاه مهم‌تر از دیالوگ‌هاست. باردم نیز به مخاطب اعتماد می‌کند تا حقیقت‌های پنهان را در زیر رفتار شخصیت کشف کند. همین ویژگی او را از بازیگرانی جدا می‌کند که احساسات را بیش از اندازه توضیح می‌دهند. باردم به‌جای ارائه پاسخ، راز می‌آفریند. شخصیت‌های او معمولاً خودشان را نیز به‌طور کامل نمی‌شناسند. آنها همچون سالکان سرگردان



ادبیات عرفانی، زخم‌هایی نامرئی را با خود حمل می‌کنند. شاید همین عدم قطعیت معنوی است که باعث می‌شود بازی‌های او در فرهنگ‌های مختلف جهان قابل درک باشد. باردم فقط از منظر روان‌شناسی بازی نمی‌کند؛ او در سطحی عمیق‌تر و هستی‌شناسانه عمل می‌کند. در بسیاری از شخصیت‌هایش جست‌وجویی برای معنایی فراتر از داستان احساس می‌شود.

حتی فیزیک بدنی او نیز چنین کیفیتی دارد. باردم با «وزن» بازی می‌کند. بدن او همیشه از جاذبه آگاه است؛ جاذبه عاطفی، تاریخی و اخلاقی. برخلاف بازیگرانی که سبک‌بال از میان صحنه‌ها عبور می‌کنند، باردم گویی بار خود زندگی را حمل می‌کند. این ویژگی بعدها در فیلم‌هایی چون The Sea Inside و «بیوتیفول» به شکلی ویرانگر جلوه‌گر شد. من همچنین بازیگری او را به‌نوعی مردانگی تراژیک پیوند می‌زنم که در بسیاری از آثار ادبی و سینمایی ایران نیز حضور دارد. مردان در این آثار اغلب اسیر انتظارات اجتماعی، غرور، سیاست یا فشار اقتصادی‌اند. زیر ظاهر مقتدرشان درماندگی پنهان است. باردم نیز بارها همین قلمرو عاطفی را کاوش کرده است.

رانسول در «ژامون ژامون» تصور می‌کند بدش می‌تواند او را نجات دهد. گمان می‌کند میل جنسی معادل قدرت است. اما باردم با ظرافت، اندوه نهفته در این توم را آشکار می‌کند. غرور شخصیت بیشتر به دفاع شباهت دارد تا اعتماد به‌نفس. او مردانگی را اجرا می‌کند زیرا از ناپدید شدن می‌ترسد. این حقیقتی جهانی است. اما درک باردم از رنج انسان تنها به پرده سینما محدود نمی‌شود. او در زندگی اجتماعی و سیاسی خود نیز همواره از کسانی دفاع کرده که صدایشان کمتر شنیده می‌شود. باردم در طول سال‌ها علیه جنگ، تبعیض، فاشیسم، نژادپرستی و نابرابری موضع گرفته، از حقوق فلسطینیان دفاع کرده و بارها در کنار قربانیان خشونت و بی‌عدالتی ایستاده است.

آنچه فعالیت سیاسی او را ارزشمند می‌کند، این است که از هنر او جدا نیست. همان شفقتی که در شخصیت‌هایش نسبت به انسان‌های زخمی می‌بینیم، در مواضع اجتماعی او نیز دیده می‌شود. بسیاری از چهره‌های مشهور مواضع سیاسی را به‌عنوان بخشی از تصویر عمومی خود اتخاذ می‌کنند، اما در مورد باردم این مواضع از تجربه‌های عمیق‌تر سرچشمه می‌گیرند. او تحقیرشدگان را می‌شناسد، زیرا بارها انسان‌های تحقیرشده را بازی کرده است. او

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازگشت بازار

واکنش بورس به تحولات منطقه چه بود؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات دیروز بورس تهران با بازگشت قدرتمند تقاضا و رشد چشمگیر قیمت سهام به پایان رسید؛ رخدادی که نشان داد، بازار سرمایه نسبت به تحولات سیاسی و امنیتی واکنش سریع و معناداری دارد. پس از آنکه روز دوشنبه از سرگیری درگیری‌های نظامی میان ایران و اسرائیل، فضای بازار را تحت‌تأثیر قرار داده و موجب شکل‌گیری موجی از عرضه و فشار فروش در بسیاری از نمادها شده بود، پایان تنش‌ها و کاهش نگرانی‌های سیاسی زمینه را برای بازگشت خریداران و شکل‌گیری یکی از مثبت‌ترین روزهای معاملاتی ماه‌های اخیر فراهم کرد. معاملات دیروز بورس تهران نشان داد که کاهش ریسک‌های سیاسی و بازگشت آرامش به فضای منطقه‌ای می‌تواند به سرعت بر رفتار سرمایه‌گذاران اثر بگذارد و مسیر بازار را تغییر دهد. ورود گسترده پول حقیقی، افزایش چشمگیر ارزش صف‌های خرید، رشد فراگیر نمادها و ثبت یکی از بزرگ‌ترین جهش‌های شاخص در ماه‌های اخیر همگی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران نسبت به آینده بازار خوش‌بین‌تر شده‌اند. هرچند تداوم این روند به ثبات شرایط سیاسی، وضعیت متغیرهای اقتصادی و استمرار ورود نقدینگی بستگی دارد اما عملکرد دیروز نشان داد که بورس تهران همچنان ظرفیت واکنش سریع به کاهش ریسک‌ها و بازگشت اعتماد سرمایه‌گذاران را دارد.

در پایان معاملات، شاخص کل بورس با جهش ۱۱۴ هزار و ۸۶۳ واحدی معادل ۲۰۶ درصد رشد کرد و در سطح ۴ میلیون و ۵۴۰ هزار و ۸۷۵ واحد قرار گرفت. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۲۹ هزار و ۷۴۰ واحدی معادل ۲۰۵ درصد به ارتفاع یک میلیون و ۲۱۷ هزار و ۸۱۹ واحد رسید. رشد هم‌زمان این دو نماگر اصلی بازار، نشان می‌دهد که نمتها شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز بلکه بخش قابل‌توجهی از نمادهای کوچک و متوسط نیز در روند صعودی دیروز مشارکت داشته‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت که رشد بازار تنها محدود به چند سهم بزرگ نبوده و بخش عمده‌ای از بازار از فضای مثبت ایجاد شده، بهره برده است. بهبود فضای سیاسی و پایان درگیری‌های نظامی، مهم‌ترین عامل بازگشت خوش‌بینی به بازار بود. سرمایه‌گذاران که در روزهای گذشته تحت‌تأثیر اخبار مربوط به تنش‌های منطقه‌ای با احتیاط عمل می‌کردند پس از کاهش ریسک‌های سیاسی بار دیگر به سمت خرید سهام حرکت کردند. نتیجه این تغییر نگرش، افزایش گسترده تقاضا در اغلب گروه‌های بورسی و تشکیل صف‌های خرید در تعداد زیادی از نمادها بود. آمار معاملات نیز به‌خوبی این تغییر فضا را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که در پایان بازار ۸۰۱ نماد با رشد قیمت مواجه شدند و تنها ۲۳ نماد کاهش قیمت را تجربه کردند. همچنین ۷۲۰ نماد در صف خرید قرار گرفتند، درحالی که فقط ۸ نماد با صف فروش به کار خود پایان دادند. این ارقام بیانگر برتری مطلق تقاضا و غلبه فضای خوش‌بینی بر معاملات روز جاری است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات دیروز، بازگشت گسترده سرمایه‌گذاران حقیقی به بازار سهام بود. ورود بیش از ۷ هزار و ۷۹۶ میلیارد تومان پول حقیقی به سهام، حق‌تقدم‌ها و صندوق‌های سهامی نشان‌دهنده افزایش تمایل سرمایه‌گذاران خرد به پذیرش ریسک و حضور فعال در بازار سرمایه است. این میزان ورود نقدینگی از بزرگ‌ترین ورودهای پول حقیقی در ماه‌های اخیر محسوب می‌شود و می‌تواند، نشانه‌ای از تقویت انتظارات مثبت نسبت به آینده بازار باشد. هم‌زمان صندوق‌های درآمد ثابت با خروج هزار و ۷۵۸ میلیارد تومان سرمایه مواجه شدند که حاکی از انتقال بخشی از منابع از ابزارهای کم‌ریسک به سمت بازار سهام است. این جابه‌جایی نقدینگی معمولاً زمانی رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران چشم‌انداز بازدهی بیشتری برای بازار سهام متصور باشند. بررسی رفتار معامله‌گران حقیقی نیز تصویری روشن از قدرت تقاضا ارائه می‌دهد. سرانه خرید حقیقی‌ها به ۱۲۲ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش در سطح ۵۳ میلیون تومان قرار داشت. نسبت قدرت خرید به فروش حقیقی‌ها نیز به عدد ۲۰۳ رسید که بیانگر برتری محسوس خریداران نسبت به فروشندگان است. این شاخص نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران حقیقی با اطمینان بیشتری وارد معاملات شده‌اند و تمایل بالایی برای خرید سهام از خود نشان داده‌اند. از سوی دیگر، ارزش معاملات خرد بازار همچنان در سطح قابل‌توجهی باقی ماند. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۵ هزار و ۹۰۲ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز از ۳۸ میلیارد برگه سهم فراتر رفت. حفظ ارزش معاملات در چنین سطوحی، به‌ویژه در شرایطی که بخش بزرگی از نمادها در صف خرید قرار داشتند، نشان‌دهنده تداوم گردش نقدینگی و حضور فعال سرمایه‌گذاران در بازار است.

سلاطین تورم

کدام کشورها بیشترین تورم را دارند؟

مهتا معرفت

متروم

در سال‌های پس از شوک‌های کرونا، جنگ اوکراین، جهش قیمت انرژی، اختلال زنجیره تأمین و افزایش نرخ‌های بهره، تورم جهانی از نقطه اوج خود فاصله گرفته اما این کاهش به‌معنای پایان کامل بحران تورمی نیست. صندوق بین‌المللی پول در چشم‌انداز اقتصادی خود تأکید می‌کند که تورم جهانی در مسیر کاهش است اما تفاوت کشورها بسیار زیاد بوده و در برخی اقتصادها هنوز بالاتر از هدف بانک مرکزی باقی مانده است. در حال حاضر کشورهایی وجود دارند که هنوز با تورم مزمن، بی‌ثباتی ارزی و بحران اعتماد دست‌وپنجه نرم می‌کنند و کشورهایی هم هستند که تورم‌شان به محدوده پایین، قابل کنترل یا حتی کمتر از هدف سیاستگذار پولی رسیده است.

در گروه کشورهای دارای بالاترین تورم، نام‌هایی مانند ونزوئلا، سودان جنوبی، زیمبابوه، سودان، ایران، آرژانتین، ترکیه، میانمار، مالوای، هائیتی، نیجریه، آنگولا، بولیوی و مصر به چشم می‌خورند. برآوردهای مبتنی بر داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که ونزوئلا همچنان در صدر کشورهایی با تورم بسیار بالا قرار دارد و تورم آن در محدوده چندصد درصدی برآورد می‌شود. پس از آن کشورهایی مانند سودان جنوبی، زیمبابوه و سودان با تورم بسیار شدید قرار می‌گیرند. در این کشورها تورم صرفاً نتیجه افزایش قیمت چند قلم کالا نیست بلکه نشانه‌ای از اختلال عمیق‌تر در نظام پولی، بودجه عمومی، نرخ ارز، تولید داخلی و اعتماد عمومی است.

ونزوئلا نمونه کلاسیک تله تورمی است. در این کشور مردم و بنگاه‌ها به پول ملی اعتماد ندارند، قیمت‌گذاری، روزانه یا حتی ساعتی می‌شود، تقاضا برای ارز خارجی بالا می‌رود و دولت برای پوشش کسری بودجه به روش‌هایی متوسل می‌شود که پایه پولی را افزایش می‌دهد. در نتیجه تورم نه‌تنها یک متغیر اقتصادی بلکه بخشی از رفتار روزمره جامعه می‌شود. وقتی خانوارها انتظار دارند قیمت‌ها فردا بالاتر برود، خرید را جلو می‌اندازند. وقتی فروشندگان انتظار کاهش ارزش پول دارند، قیمت‌ها را با احتیاط و بالاتر تعیین می‌کنند. همین چرخه انتظارات، تله تورم را تقویت می‌کند. سودان و سودان جنوبی نیز از جمله کشورهایی هستند که تورم در آنها با بحران سیاسی، جنگ داخلی، ناامنی غذایی، ضعف زیرساخت‌ها و سقوط ظرفیت تولید گره خورده است. ایران هم رفته‌رفته دارد به جایگاه رفیعی در زمینه تورم دست پیدا می‌کند. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تورم در ایران ظرف ماه‌ها یا حتی هفته‌های آینده، سه رقمی شود که در این صورت ایران بالاترین نرخ تورم تمام تاریخ را به ثبت می‌رساند. چنانکه شرح داده شد، ایران نیز در گروه کشورهایی قرار می‌گیرد که تورم بالا در آن بیشتر ساختاری است تا موقتی. تورم ایران معمولاً به ترکیبی از رشد

نقدینگی، کسری بودجه، تحریم، محدودیت درآمد ارزی، نوسان نرخ ارز، انتظارات تورمی و ضعف سرمایه‌گذاری مرتبط است. در چنین فضایی حتی اگر در برخی ماه‌ها سرعت افزایش قیمت‌ها کاهش یابد تا زمانی که انتظارات تورمی و نااطمینانی ارزی مهمل نشود، نمی‌توان گفت کشور از تله تورمی خارج شده است. به قول اقتصاددانان در چنین شرایطی، تورم فقط مسئله سیاست پولی نیست. حتی اگر بانک مرکزی بخواهد سیاست سخت‌گیرانه اتخاذ کند اختلال عرضه، کمبود کالا، ناامنی حمل‌ونقل، کاهش درآمد ارزی و کسری مالی دولت مانع کاهش پایدار تورم می‌شود. بنابراین کشورهایی از این جنس تا زمانی که ثبات سیاسی و مالی پیدا نکنند، خروج کامل از تله تورمی برایشان دشوار خواهد بود. زیمبابوه نیز مورد مهم دیگری است. این کشور سابقه طولانی ابرتورم، اصلاحات پولی و تغییر واحد پولی دارد. گزارش‌های جدید نشان می‌دهد که تورم زیمبابوه اخیراً نشانه‌هایی از کاهش داشته و ثبات نسبی ارز جدید و افزایش درآمدهای طلا به بهبود وضعیت کمک کرده اما همچنان سابقه بی‌ثباتی پولی باعث می‌شود که اعتماد عمومی به‌سرعت بازسازی نشود. رویترز گزارش داده که تورم زیمبابوه از ۸۲۰۷ درصد در سپتامبر به ۳۲۰۷ درصد در اکتبر کاهش یافته اما همچنان مسئله پایداری سیاست‌ها و اعتبار مالی کشور پابرجاست. در میان اقتصادهای بزرگ‌تر آرژانتین و ترکیه دو نمونه بسیار مهم‌اند. آرژانتین سال‌هاست با تورم بالا، کسری بودجه، بی‌ثباتی نرخ ارز و کاهش اعتماد عمومی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

اگرچه در سال ۲۰۲۵ روند تورم این کشور نسبت به اوج‌های قبلی کاهش یافته اما سطح تورم همچنان بالاست و خروج از تله تورم هنوز کامل نشده است. ترکیه نیز وضعیت مشابهی دارد. تورم ترکیه نسبت به دوره‌های بسیار شدید قبلی تعدیل شده اما همچنان در میان اقتصادهای بزرگ یکی از بالاترین نرخ‌ها را دارد. OECD نیز پیش‌بینی کرده که تورم در آرژانتین و ترکیه به‌تدریج کاهش یابد اما این کاهش تا حد زیادی به انضباط مالی، اعتبار سیاست پولی و تداوم سیاست‌های ضدتورمی وابسته است. در آفریقا، نیجریه، آنگولا و مصر نیز با تورم بالا مواجهند اما جنس مشکل آنها تا حدی متفاوت است. در نیجریه، حذف یارانه سوخت، کاهش ارزش پول ملی، هزینه بالای واردات و فشار قیمت مواد غذایی نقش مهمی داشته‌اند. در مصر کاهش ارزش پوند، فشار بدهی خارجی، هزینه واردات و اصلاحات اقتصادی تحت‌فشار مالی موجب تداوم تورم شده‌اند.

این کشورها ممکن است در مسیر تعدیل باشند اما هنوز فاصله معناداری با ثبات قیمتی دارند. در سوی مقابل، کشورهایی که تورم پایین‌تری دارند یا از تله تورم خارج شده‌اند معمولاً چند ویژگی مشترک دارند: بانک مرکزی معتبرتر، کسری بودجه قابل کنترل‌تر، ثبات ارزی، وابستگی کمتر به چاپ پول و انتظارات تورمی مهار شده. در فهرست کشورهایی با تورم بسیار پایین در سال ۲۰۲۵

نام‌هایی مانند سوئیس، چین، پاناما، ماکائو، تایلند، بحرین، پروتتی، کامبوج، عمان، قطر، سنگاپور، فرانسه و آلمان دیده می‌شوند. برخی رتبه‌بندی‌های مبتنی بر داده‌های IMF نشان می‌دهند که سوئیس، چین و پاناما در میان کشورهای با پایین‌ترین تورم قرار دارند. سوئیس یکی از روشن‌ترین نمونه‌های خروج از تله تورم است. تورم پایین در سوئیس نتیجه ترکیبی از اعتبار بالای بانک مرکزی، پول ملی قدرتمند، ساختار تولیدی پایتات، انضباط مالی و انتظارات تورمی کنترل‌شده، است. در این کشور تورم پایین الزاماً نشانه رکود عمیق نیست بلکه بیشتر نشان‌دهنده ثبات پولی و اعتماد به سیاستگذار است. چین نیز تورم بسیار پایینی دارد اما تفسیر آن با سوئیس متفاوت است. تورم پایین یا نزدیک به صفر در چین می‌تواند، نشانه ضعف تقاضای داخلی، مشکلات بخش مسکن، احتیاط مصرف‌کنندگان و ظرفیت مازاد تولید باشد. بنابراین چین از تله تورم بالا خارج شده اما ممکن است با خطر دیگری یعنی کم‌تورمی یا حتی فشارهای ضدتورمی روبه‌رو باشد. به بیان دیگر پایین بودن تورم همیشه خبر کاملاً مثبت نیست؛ اگر همراه با ضعف مصرف و سرمایه‌گذاری باشد، می‌تواند نشانه رکود پنهان باشد. کشورهای مانند پاناما، بحرین، عمان، قطر و کامبوج نیز به دلیل پیوندهای ارزی، دلاریزه بودن یا اتکای قوی به لنگر خارجی، تورم پایین‌تری تجربه می‌کنند. در این کشورها، ثبات نرخ ارز نقش مهمی در مهار قیمت کالاهای وارداتی دارد. البته این الگو مزایا و محدودیت‌هایی دارد: از یک‌سو، تورم وارداتی کاهش می‌یابد؛ از سوی دیگر، استقلال سیاست پولی محدودتر می‌شود. در اروپا، فرانسه و آلمان نمونه‌هایی از کشورهایی هستند که تورم‌شان نسبت به اوج بحران انرژی کاهش زیادی داشته است. با فروکش کردن شوک انرژی، کاهش قیمت عمده‌فروشی گاز و سیاست‌های سخت‌گیرانه پولی بانک مرکزی اروپا، تورم در بسیاری از اقتصادهای اروپایی به سمت محدوده هدف حرکت کرده است. با این حال OECD هشدار می‌دهد که در برخی اقتصادهای پیشرفته، به‌ویژه جاهایی که تورم خدمات یا دستمزدها چسبیده است، بازگشت کامل به هدف ممکن است زمانبر باشد.

کشورهایی مانند ونزوئلا، سودان جنوبی، زیمبابوه، سودان، ایران، آرژانتین و ترکیه همچنان در کانون تورم بالا قرار دارند. شدت مشکل در این کشورها متفاوت است اما وجه مشترک آنها ضعف اعتماد پولی، فشار ارزی، کسری مالی یا بحران سیاسی و ساختاری است. در مقابل، کشورهایی مانند سوئیس، چین، پاناما، سنگاپور، برخی اقتصادهای حوزه خلیج‌فارس و بخش‌هایی از اروپا از تله تورم بالا فاصله گرفته‌اند. با این حال خروج از تله تورم فقط به‌معنای پایین آمدن عدد تورم نیست؛ زمانی می‌توان از خروج واقعی سخن گفت که کاهش تورم پایدار باشد، انتظارات عمومی تثبیت شود، نرخ ارز دچار جهش‌های مکرر نشود و دولت برای تأمین مخارج خود به خلق پول متکی نباشد. نتیجه نهایی این است که جهان وارد مرحله «تورم ناهمگون» شده است. تورم جهانی در مجموع کاهش یافته اما برخی کشورها هنوز درگیر بحران قیمت‌ها هستند و برخی دیگر حتی با تورم بسیار پایین با خطر رکود تقاضا روبه‌رو شده‌اند. بنابراین پاسخ دقیق این است: بیشترین تورم امروز در کشورهایی دیده می‌شود که هم‌زمان با بحران پولی، مالی و سیاسی روبه‌رو هستند؛ و کشورهایی از تله تورم خارج شده‌اند که توانسته‌اند اعتماد به پول ملی، انضباط مالی و اعتبار سیاست پولی را بازسازی کنند.

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک اصلی



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

طی درخواست وارده شماره ۳۵۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ منضم به دو برگ استشهاد محلی که به تأیید دفتر اسناد رسمی (سردفتر: شهاب صفری) ایلام رسیده آقای شکر صی محمدی مدعی هستند که سند مالکیت ششدانگ از ششدانگ یک باب خانه پلاک ۱۰۷ فرعی از ۱۵۴۴ اصلی واقع در ایلام به علت سرقت مفقود گردیده است که برابر پرونده ثبتی سند مالکیت ششدانگ پلاک مذکور ذیل ثبت دفتر ۵۱۲ صفحه ۱۰۴ بنام شکر صی محمدی صادر و تسلیم گردیده است. لذا مراتب در اجرای تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت اعلام تاهر کس که سند مالکیت نزدی بوده و یا مدعی انجام معامله می باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اصل سند مالکیت و یا سند معامله را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام ارائه نماید در غیر اینصورت از انقضای مهلت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام قانونی بعمل خواهد آمد.

فیض الهی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ شهرستان ایلام
شناسه آگهی ۲۲۰۲۹۲۲

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۰۵۳۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه معصومه جواهریان فرزند علی به شماره ملی ۲۰۹۱۷۹۳۳۱۰ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی باغی پلاک ۲۷۴۵ به مساحت ۳۸۴۰۴۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱- اصلی واقع درقریه فیروزکنده بخش ۵ ثبت ساری

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۲۰۳۵۹۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۴
یاسر ملکی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

موش زبان بار است یا موشک؟

تندروی و عدم رواداری، ریشه‌های تمدن چند هزار ساله ایران را هدف گرفته است

محمد علیایی

فعال مدنی



خبر تلخ و جانسوز است؛ شبانه کیسای انجیلی مشهد را ویران کرده‌اند. کی؟ دشمن؟ نه خودی. هنوز زخم‌های خونینی که دشمنان ددمنش و تبهکار بر جان و روان ایران زده و اگر بتواند باز هم خواهد زد، درمان نشده است. آنها «پل‌ها» را زدند و «همبستگی ملی» را نشانه گرفته‌اند. می‌خواستند ایران؛ که چند هزار سال خوش درخشیده و اسکندر، عرب‌ها، چنگیز، تیمور و دیگر گردن‌کشان تاریخ نتوانستند آن را بشکنند را بشکنند.

بدخواهان کینه‌توز به ناخشنودی‌های گسترده ایرانیان دل بسته بودند. گمان می‌کردند پس از رخدادهای دردناک ۱۸ و ۱۹ دی، با بمب و موشک و ترور، مردم به‌جان آمده به خیابان خواهند آمد و همانی خواهد شد که در لیبی، عراق، افغانستان، سوریه و... شد.

ادامه تیتربیک

آنچه بیش و پیش از هر چیزی، نقشه شوم دشمنان را نقش برآب کرد، فرهنگ و تمدن ایران بود؛ تمدنی که فراتر از موزایک قوم‌ها، زبان‌ها، دین‌ها و مذهب‌هاست. تمدن ایرانی مانند آشی است که با مواد گوناگونی، پنج هزار سال جوشیده و قوام آمده است. در آن، همه چیز هست، ولی پخته و یکی شده که جدا کردن آنها از هم، نشدنی است.

ایرانیان با خرد، ایمان به آفریدگار و نیکی پایان‌ناپذیر، پذیرفتند که رمز ماندگاری‌شان سازگاری با محیط‌زیست، از خودگذشتگی، پذیرش دیگری و پرهیز از دشمنی و جنگ است. با چنین باوری بر سر در خاقانه ابوسعید ابوالخیر نوشتند: «هر کس در این سرای آمد، نانش دهید و از ایمانش نرسید». آنها چند هزار سال با «توافق برای زیستن»، که بسیار کارآمدتر و پایدارتر از «مشارکت» و «قراردادهای اجتماعی» است، زیسته‌اند و باور داشته‌اند که: «آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است، با دوستان مروت یا دشمنان مدارا».

با چنین باوری در شهر یزد، در یک سه‌راهی، سه

پرستش‌گاه «کنیسه، کلیسا و مسجد» پشت به پشت هم و کمی آن سوتر آتشکده را بنا کرده‌اند. چند هزار سال، هر کس آفریدگارش را ستایش کرده، بی‌آنکه به دیگری ناسزا بگوید. شنیدم مسجدی که چسبیده به کنیسه و کلیساست، بلندگو ندارد تا صدایش کلیمیان و مسیحیان را نیازارد.

این میزان رواداری در جهان، که برده‌داری، جنگ‌های صلیبی، اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها و کمونیست‌ها، بمباران اتمی آمریکاییان، نسل‌کشی صهیونیست‌ها، داعش، القاعده، بوکو‌حرام و دیگر حرامیان را دیده و می‌بیند، ماندنی ندارد.

آری چند هزار سال این میزان مدارا و جوانمردی، پاسدار ایران بوده است. کسی باور نداشته که همه حقیقت نزد اوست و دیگران گمراهند و او باید آنان را به بهشت ببرد. نیاکان ما با «توافق اجتماعی» کوشیده‌اند که ایران را بهشت کنند تا در دو سرا رستگار شوند. رستگاری نه در گرو دگرآزاری که دستمزد گره‌گشایی از دیگری، با هر

باوری، بوده است. هر زمانی که رواداری را کنار نهاده‌اند، روحانیون تندرو را بر کرسی قدرت نشاندند و به جان مردم و دیگر آیین‌ها افتاده‌اند، اگر هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، صفویان و قاجاریان هم بوده‌اند از پا درآمده و بدنام رفته‌اند.

ویران کردن کیسای انجیلی مشهد، هزاران بار بدتر و ویران‌گتر از موشک‌های دشمن است. چنین کارهایی تارویود این فرش کهن، خوش‌نقشه، خوش‌رنگ و خوش‌طرح را از هم می‌دراند. موشک‌های دشمن، همبستگی و پیوستگی ایرانیان را با هر دین و آیینی، رنگ و نژاد، زبان و پوششی بیشتر می‌کند. که کرد. موش‌ها، ریشه‌ها را می‌خورند و موشک دل‌ها و دست‌ها و اندیشه‌ها را، با همه گوناگونی‌اش، به‌هم گره می‌زنند. پس بیش از موشک‌ها، هوای موش‌ها را داشته باشیم و بکشیم تا هرچه زودتر، سایه ویران‌گر جنگ را از سر ایران بپارچه و گوناگون دور کنیم.

«در کار خیر، حاجت هیچ استخاره نیست».

جامعه

ماجرای ۱۸ میلیون مجرد در ایران

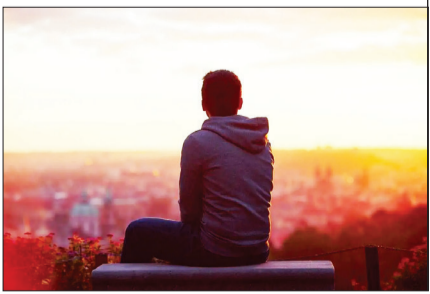
تجرد قطعی، یک میلیون نفر است

اعلام آمار بیش از ۱۸ میلیون نفر «هرگز ازدواج نکرده» در کشور از سوی معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، طی روزهای اخیر، بازناب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشته است. عددی که برای بسیاری از مخاطبان، این تصور را ایجاد کرده که کشور با بحرانی کم‌سابقه در حوزه ازدواج مواجه شده است. اما کارشناسان جمعیت‌شناسی معتقدند برای تحلیل این آمار باید به نحوه محاسبه و ارائه آن توجه کرد. شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس، با تأکید بر اینکه اصل عدد اعلام شده لزوماً نادرست نیست به خبرآنلاین می‌گوید، مسئله اصلی به شیوه بیان آمار بازمی‌گردد. به گفته او رقم ۱۸ میلیون و ۷۷۵ هزار نفر حاصل جمع مردان و زنانی است که تاکنون ازدواج نکرده‌اند و نباید این عدد را به‌معنای نیاز کشور به ۱۸ میلیون ازدواج تلقی کرد. او توضیح می‌دهد که ازدواج یک رابطه دوفره است و در صورت جمع‌بندی آماری، این تعداد در عمل معادل حدود ۹ میلیون ازدواج بالقوه خواهد بود. از همین‌رو ارائه این عدد، بدون توضیحات تکمیلی، می‌تواند تصویری بزرگ‌تر از واقعیت در ذهن افکار عمومی ایجاد کند.

کاظمی‌پور همچنین معتقد است نباید همه افراد مجرد را در یک گروه تحلیلی قرار داد. بسیاری از افرادی که در این آمار گنجانده شده‌اند، در سنین جوانی قرار دارند و همچنان در معرض ازدواج هستند. به گفته این جمعیت‌شناس در مطالعات جمعیتی مفهوم «تجرد قطعی» به افرادی اطلاق می‌شود که در سنین بالاتر، معمولاً پس از ۴۵ سالگی، همچنان ازدواج نکرده‌اند.

برآوردها نشان می‌دهد، تعداد افراد دارای مجرد قطعی در کشور، فاصله قابل‌توجهی با رقم ۱۸ میلیون نفر دارد و احتمالاً حدود یک میلیون نفر است. از این‌رو کارشناسان تأکید می‌کنند که آمار «هرگز ازدواج نکرده‌ها» نباید با جمعیت افرادی که عملاً از چرخه ازدواج خارج شده‌اند یکسان تلقی شود.

در نتیجه، هرچند آمار اعلام شده می‌تواند مبتنی بر داده‌های رسمی و ثبتی باشد اما بدون توضیح درباره دامنه سنی، تعریف مجرد و تفاوت میان «هرگز ازدواج نکرده» و «تجرد قطعی» ممکن است، تصویری اغراق‌آمیز از وضعیت ازدواج در کشور ارائه دهد.



اصل بر دسترسی است

در بخش دیگری از نشست، هاشمی صریح‌ترین موضع خود را درباره دسترسی به اینترنت بیان کرد. او گفت اصل، دسترسی مردم به اینترنت است و محدودیت باید استثنا باشد، نه قاعده. وزیر ارتباطات تأکید کرد نباید تصور کرد، جامعه به محدودیت‌های ارتباطی عادت کرده است. از نگاه او نیاز مردم به ارتباطات پایدار و دسترسی آزاد به اطلاعات واقعی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. او همچنین از تدوین سازوکار خبری داد که براساس آن هرگونه محدودیت احتمالی در آینده باید دارای متولی مشخص، زمان‌بندی روشن و اطلاع‌رسانی شفاف باشد.

مهاجرت نخبگان و اقتصاد دیجیتال

هاشمی در بخش دیگری از سخنان خود محدودیت‌های اینترنتی را با مسئله مهاجرت نخبگان مرتبط دانست. او هشدار داد که بخش عمده فعالان اقتصاد دیجیتال را نیروهای جوان و متخصص تشکیل می‌دهند و اگر امکان فعالیت و رشد برای آنان فراهم نباشد، مهاجرت این سرمایه انسانی به یک مسئله امنیتی تبدیل خواهد شد. به گفته وزیر ارتباطات، توسعه اقتصاد دیجیتال بدون دسترسی پایدار به اینترنت ممکن نیست و کشور نمی‌تواند همزمان به‌دنبال رشد فناوری‌های نوین باشد اما زیرساخت ارتباطی آن با بی‌ثباتی مواجه باشد.

توسعه فیبر نوری و نسل پنجم

در کنار مباحث مربوط به محدودیت‌ها، وزیر ارتباطات از برنامه‌های توسعه‌ای دولت نیز سخن گفت. او توسعه فیبر نوری و شبکه نسل پنجم تلفن همراه را از مهم‌ترین اولویت‌های وزارتخانه اعلام کرد. هاشمی گفت، میزان اتصال کاربران به شبکه فیبر نوری طی یک سال گذشته، چهار برابر شده و پوشش این شبکه از مرز ۱۰ میلیون مشترک عبور کرده است. او تأکید کرد، معیار موفقیت پروژه فیبر نوری صرفاً ایجاد پوشش نیست بلکه اتصال واقعی کاربران به این زیرساخت است.

حکمرانی فضای مجازی نیازمند بازنگری است

شاید مهم‌ترین پیام سیاسی و مدیریتی نشست دیروز در بخش پایانی سخنان وزیر ارتباطات مطرح شد؛ جایی که او از ضرورت «دگردیسی» در حکمرانی فضای مجازی سخن گفت. هاشمی معتقد است نه مردم، نه حاکمیت و نه بخش خصوصی از وضعیت فعلی رضایت ندارند و به همین دلیل ادامه مسیر با سازوکارهای موجود پاسخگوی نیازهای کشور نخواهد بود. او بر لزوم مشارکت فعال بخش خصوصی، نخبگان و فعالان اقتصاد دیجیتال در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید کرد و هشدار داد، اتخاذ تصمیم‌های پشت درهای بسته، می‌تواند به تضعیف کسب‌وکارها و مهاجرت سرمایه انسانی منجر شود. نخستین نشست خبری ستار هاشمی در حالی برگزار شد که بخش قابل‌توجهی از سخنان او به نقد تجربه‌های گذشته و ضرورت بازنگری در برخی سیاست‌های ارتباطی اختصاص داشت. از اینترنت پرو و اینترنت طبقه‌بندی گرفته تا فیلترینگ، استارلینک، وایت‌لیست و خسارت‌های اقتصادی ناشی از قطع اینترنت، وزیر ارتباطات کوشید تصویری متفاوت از نگاه دولت به حوزه ارتباطات ارائه دهد؛ نگاهی که در آن «دسترسی» اصل است و محدودیت باید استثنا باقی بماند. اینکه این مواضع در سطح سیاستگذاری کلان تا چه اندازه به تغییرات عملی منجر خواهد شد، پرسشی است که پاسخ آن در ماه‌های آینده مشخص می‌شود.

مدافع اینترنت آزاد

در ادامه، حمید فتاحی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نیز تأیید کرد که مصوبه اولیه اینترنت ویژه با هدف مدیریت شرایط بحرانی تدوین شده بود اما در روند اجرا به شکلی پیش رفت که احساس تبعیض میان کاربران ایجاد شد. فتاحی از بررسی تخلفات احتمالی اپراتورها خبر داد و گفت، اپراتورها موظف شده‌اند که مبالغ اضافه دریافت شده را به کاربران بازگردانند. او همچنین تأکید کرد، هرگونه ارائه خدمات ویژه در آینده باید در چارچوب قانون و تعرفه‌های مصوب انجام شود. اما ماجرای اینترنت پرو، تنها یکی از محورهای نشست خبری دیروز بود؛ نشست که در آن وزیر ارتباطات صریح‌تر از همیشه درباره محدودیت‌های اینترنت، سیاست‌های فیلترینگ، امنیت سایبری، اقتصاد دیجیتال و حتی آینده حکمرانی فضای مجازی سخن گفت.

قطعی اینترنت؛ راه‌حل امنیتی یا هزینه‌ای برای کشور؟

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نشست زمانی بود که هاشمی به رابطه میان امنیت و محدودسازی اینترنت پرداخت. او با انتقاد از این تصور که قطع اینترنت الزماً امنیت ایجاد می‌کند، گفت تجربه‌های اخیر خلاف این موضوع را نشان داده است. وزیر ارتباطات تصریح کرد، در دوره‌هایی که اینترنت با محدودیت جدی مواجه بوده همچنان شاهد وقوع حوادث امنیتی و حتی شهادت برخی مسئولان ارشد امنیتی کشور بوده‌ایم. از نگاه او این تجربه نشان می‌دهد که نمی‌توان صرفاً با بستن اینترنت، امنیت را تضمین کرد و باید درباره این رویکرد بازنگری صورت گیرد. هاشمی همچنین هشدار داد که قطع طولانی‌مدت اینترنت می‌تواند پیامدهای امنیتی معکوس داشته باشد. به گفته او، بسیاری از سامانه‌ها، سرورها و حتی تلفن‌های همراه برای حفظ امنیت خود نیازمند دریافت به‌روزرسانی‌های مستمر هستند و محدود شدن دسترسی به اینترنت، می‌تواند آسیب‌پذیری آنها را افزایش دهد.

خسارت روزانه ۱۵ میلیون دلاری

وزیر ارتباطات در بخش دیگری از سخنان خود به هزینه اقتصادی محدودیت‌های اینترنت اشاره کرد. او با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس گفت، خسارت ناشی از قطعی اینترنت در اقتصاد دیجیتال روزانه حدود ۱۵ میلیون دلار برآورد شده است. به گفته هاشمی، اقتصاد دیجیتال بر پایه اعتماد، پایداری و دسترسی مستمر شکل می‌گیرد و هنگامی که فعالان اقتصادی هر روز نگران قطع شدن ارتباطات باشند امکان برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و توسعه کسب‌وکارها از بین می‌رود. او یکی از تلخ‌ترین پرسش‌هایی که این روزها بارها می‌شنود را این جمله دانست: «اینترنت تا کی وصل می‌ماند؟»؛ پرسشی که به اعتقاد وزیر ارتباطات نشان می‌دهد هنوز اعتماد کافی نسبت به پایداری زیرساخت‌های ارتباطی در کشور شکل نگرفته است.

استارلینک؛ نتیجه سیاست محدودسازی؟

هاشمی در بخشی از نشست، آماری قابل‌توجه ارائه کرد. او گفت در مقطعی از زمان محدودیت‌های اینترنتی، حجم ترافیک استارلینک تقریباً با کل ترافیک اینترنت کشور برابری می‌کرد؛ موضوعی که



